NobonyadOnline NobonyadOnline
NobonyadOnline.ir

یکشنبه ۲۵ آبان ۱۴۰۵
سال اول ■ شماره ۱۸۶
۸ صفحه ■ ۱۰۰۰۰ تومان

نوبنیاد

روزنامه سراسری صبح ایران



ویروس خودکم بینی در پاستور

از تعبیر توهین‌آمیز «یک‌لاقبا» درباره ایران از سوی مشاور رسانه‌ای رئیس جمهور، آنهم در شرایطی که کشورمان در برابر دو ابرقدرت ایستادگی کرده، نباید ساده گذشت. چراکه خطرناک‌تر از توهین نزدیکان رئیس جمهور به مردم مبعوث و کشور سربلند ایران، وجود نگاه خودتحقیرانه و رویکرد ما نمیتوانیم است. رویکردی که تاثیرات ملموسی بر ادبیات و مواضع ضعیف‌نمای پزشکیان گذاشته و موجبات تشدید فشار دشمن بر کشورمان را فراهم کرده است.

۲



چراغ را خاموش نکن

مسعود پزشکیان از خاموش کردن چراغ اتاق خود برای جلوگیری از قطع برق صنایع و کمک به آنها سخن می‌گوید، اما همزمان سیاست‌های اقتصادی دولت، از جمله تغییر نرخ سود بانکی، هزینه تأمین مالی بنگاه‌های تولیدی را افزایش داده است. بنظر می‌رسد حمایت از تولید بیش از نیاز به شعار و خاموش کردن چراغ اتاق رئیس جمهور به تامین مالی با تسهیلات ارزان قیمت نیاز داشته باشد

۵

پیمان امنیتی بدون ایران، پیمان علیه امنیت منطقه

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، نقطه عطفی در ترتیبات امنیتی خاورمیانه و خلیج فارس رقم زده است. شکست پروژه به زانو درآوردن و نابودی ایران، ضربات سنگین به پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه و اعمال حاکمیت ایران بر تنگه هرمز، معادلاتی را برهم زده که دهه‌ها بر حضور نظامی واشنگتن و امنیت عاریتی و سرسپردگی کشورهای عربی استوار بود. اکنون منطقه با واقعیتی تازه مواجه است: آمریکا دیگر آن ضامن امنیتی شکست‌ناپذیر نیست و بازیگران منطقه‌ای برای بازتعریف مناسبات دفاعی خود به تکاپو افتاده‌اند.

متن کامل در صفحه ۷

تذکر عارف و واکنش دیوان محاسبات به قاچاق سوخت

معاون اول در مقابل طرح بنزینی معاونین



۴

حواشی طرح مجلس درباره تغییر ساختار وزارت اطلاعات

شرط اجتهاد می‌ماند یا حذف می‌شود؟

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران

۳

بین الملل | صفحه ۶

غزه در محاصره مرگ تدریجی

بارندگی‌های شدید ماه اخیر در نوار غزه، وضعیت آوارگان فلسطینی را در آستانه زمستان پیچیده‌تر کرده است. بر اساس برآوردهای سازمان ملل، سیلاب به ده‌ها هزار سرپناه آسیب زده و هزاران خانوار را با کمبود امکانات اولیه مواجه کرده است.

سیاست خارجی | صفحه ۱۱

محاصره؛ فصل مشترک کاخ سفید و دموکرات‌ها

حفظ محاصره دریایی، تشدید فشار اقتصادی و استفاده از ضعف‌های مدیریتی دولت برای فرسایش توان داخلی ایران؛ راهبردی که در کنار تهدید نظامی، به دنبال گرفتار کردن کشور در وضعیت نه جنگ و نه صلح و فراهم کردن زمینه فشار از درون است.

خبر کوتاه

حداقل برخورد با مشاور پزشکیان قطع دسترسی او به منابع بیت المال است

بهادری جهرمی، سخنگوی دولت شهید رئیسی در واکنش به توهین مشاور پزشکیان نوشت: حداقل برخورد ضروری با کسی که پس از توهین‌های مکرر، به ایران مقتدر و متمدن می‌گوید «یک لاقبا»، اصلاح فوری مسیر پول‌هایی است که از نفت و مالیات مردمی به دست آمده و به واسطه جایگاه رسمی در دولت، مستقیم یا غیرمستقیم به جیب شخصی و رسانه‌ی او می‌ریزد.

سردار حسن‌زاده: دشمن بار دیگر خطا کند، غافلگیری‌های جدیدی در انتظارش است

در پی ادعاهای رئیس جمهور جنایتکار آمریکا درباره تقابل با ایران، و ادعای عملیاتی شدن کارگروهی موسوم به «دروازه آهنین» با هدف اعمال محدودیت بر مبادی ورودی و خروجی ایران، سردار حسن حسن‌زاده، فرمانده سپاه محمد رسول‌الله(ص) تهران بزرگ، با اشاره به تحولات نظامی پس از جنگ ۱۲ روزه اظهار کرد: از زمان آغاز جنگ تحمیلی ۱۲ روزه تاکنون، همواره شاهد بوده‌ایم که آمریکا و رژیم صهیونیستی با تکیه بر تجهیزات به اصطلاح پیشرفته خود، تصور می‌کردند می‌توانند جمهوری اسلامی ایران را شکست دهند و به اهداف نظامی خود دست پیدا کنند. وی با اشاره به طرح خیالی «دروازه آهنین» ترامپ افزود: اگرچه دشمن از تجهیزات پیشرفته‌ای برخوردار است، اما بخش عمده‌ای از این تجهیزات تاکنون به دست رزمندگان ما از حیّز انتفاع خارج شده است. دشمن تلاش می‌کند با ایجاد یک سپر دفاعی، مانع دستیابی ایران به اهداف خود شود، اما تجربه نشان داده است که جمهوری اسلامی ایران نیز همواره دستاوردهای جدید و شیوه‌های نوینی برای مقابله با دشمن در اختیار دارد که در زمان مقتضی از آن‌ها رونمایی خواهد کرد. سردار حسن‌زاده خاطرنشان کرد: این بار هم اگر دشمن مرتکب خطایی شود، قطعاً بار دیگر طعم شکست را خواهد چشید و به جهانیان ثابت خواهد شد که برتری از آن ملت ایران و اراده مستحکم این ملت است. وی در پایان تأکید کرد: ملت ایران به واسطه ایمان و اعتقاد راسخ خود اجازه نخواهد داد دشمنان و استکبار جهانی خواسته‌های خود را بر این ملت آزاده تحمیل کنند.

سخنگوی وعده صادق، سخنگوی سازمان بسیج شد

رئیس سازمان بسیج در حکمی سرهنگ دوم پاسدار ایمان تاجیک را به عنوان سخنگوی سازمان بسیج مستضعفین منصوب کرد. حجت‌الاسلام والمسلمین حسین طائب رئیس سازمان بسیج در حکمی سرهنگ دوم پاسدار ایمان تاجیک را به عنوان سخنگوی سازمان بسیج مستضعفین منصوب کرد.

کدخدایی: سیاست‌های کلی نظام توصیه اخلاقی نیست

عباسعلی کدخدایی، سرپرست دبیرخانه مجمع با تأکید بر ضرورت تبیین جایگاه و اعتبار قانونی سیاست‌های کلی برای مسئولان و دستگاه‌های اجرایی گفت: متأسفانه برخی مسئولان و دستگاه‌ها نسبت به محتوا و اعتبار سیاست‌های کلی اطلاع کافی ندارند و لازم است جایگاه این سیاست‌ها و اهمیت قانونی آن‌ها برای همه دستگاه‌های مسئول تبیین و گوشزد شود. وی افزود: سیاست‌های کلی، توصیه اخلاقی نیست؛ بلکه سند و هنجار قانونی مهم و معتبری است که به تأیید رهبر انقلاب رسیده و دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند در برابر اجرای آن و تحقق بندهای مربوطه پاسخگو باشند.

گزارش «نوبنیاد» از تعابیر موهن و ادامه‌دار اطرافیان پزشکیان درباره ملت بزرگ و مقتدر ایران

ویروس خودکم بینی در پاستور

از تعبیر توهین‌آمیز «یک‌لاقبا» درباره ایران از سوی مشاور رسانه‌ای رئیس‌جمهور، آنهم در شرایطی که کشورمان در برابر دو ابرقدرت ایستادگی کرده، نباید ساده گذشت. چراکه خطرناک‌تر از توهین نزدیکان رئیس جمهور به مردم مبعوث و کشور سربلند ایران، وجود نگاه خودتحقیرانه و رویکرد ما نمیتوانیم است. رویکردی که تاثیرات ملموسی بر ادبیات و مواضع ضعیف‌نمای پزشکیان گذاشته و موجبات تشدید فشار دشمن بر کشورمان را فراهم کرده است.



جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

روز پنجشنبه، ۲۱ آبان ماه علی اصغر شفیعیان، مشاور رسانه‌ای مسعود پزشکیان در صفحه شخصی خود در اقدامی توهین‌آمیز با به کار بردن تعبیر «یک لاقبا» به کشورمان عزیزمان ایران حواشی زیادی ایجاد کرد. ایرانی که برای پایداری و سربلندی آن طی دو جنگ تحمیلی اخیر ۱۲ و ۴۰ روزه و جنگ ۸ ساله دفاع مقدس، ده‌ها هزار شهید جان خودشان را فدا کردند. مشاور پرحاشیه پزشکیان در توییت خود نوشته بود: «مقایسه جنگ روسیه-اوکراین با وضعیت ایران خنده‌دار است. روسیه ابرقدرت اقتصادی، نظامی و خودش مهاجم است؛ اوکراین هم کل غرب و آمریکا پشتش ایستادند. مقایسه آن با جنگ آمریکا، اسرائیل و چند کشور منطقه علیه ایران یک لاقبا درست نیست. این جنگ روی اقتصاد ما بسیار سنگین‌تر اثر گذاشته است.»
البته که توهین غیرقابل بخشش مشاور رسانه‌ای رئیس جمهور با واکنش‌ها و انتقادات بسیاری از سوی مردم مبعوث و فعالان سیاسی-رسانه‌ای همراه بود.

کارنامه دولت در توهین به مردم مبعوث شده ایران

قابل ذکر است که پیشتر روزنامه اعتماد در گزارشی به قلم عباس عبدی به مردم مبعوث شده خیابان توهین کرده بود و آنان را اقلیتی رانتی خوانده بود. همچنین چندماه پیش نیز سرپرست فرمانداری ساری خطاب به پلیس درباره محدود شدن فعالیت‌های شبانه مردمی نامه‌ای صادر کرده بود که البته آنجا با ورود دادگستری مازندران نیز این تلاش دولتی‌ها در کم‌اثر کردن تجمعات شبانه خنثی شد. دادگستری مازندران در آن زمان طی بیانیه‌ای اعلام کرد: «به سرپرست فرمانداری شهرستان ساری اکید آهشدار داده می‌شود از تکرار اتخاذ تصمیمات یا مکاتباتی که واجد شائبه محدودسازی اجتماعات مردمی و مداخله خارج از حدود اختیارات قانونی وی بوده خودداری و در چارچوب دقیق اختیارات قانونی اقدام نمایند.»

یا رب مباد آن که گدا معتبر شود!

محمد منان رئیسی، نماینده مردم قم در مجلس در واکنش به توهین مشاور پزشکیان به کشور سرافراز ایران نوشت: «وقتی یک لاقبا می‌شوند مشاور رئیس جمهور، ایران مقتدری که بزرگترین ارتش دنیا را تحقیر کرده است اینطور بی‌شرمانه یک لاقبا خوانده می‌شود! یارب مباد آن که گدا معتبر شود!»

اظهارات مشاور پزشکیان قابل بخشش نیست!

رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس در واکنش به توهین مشاور پزشکیان در صفحه شخصی خود نوشت: «انتظار می‌رود جناب آقای پزشکیان، نظرات بیشتری را از اطرافیانشان، به‌ویژه درباره سخن گفتن راجع به جمهوری اسلامی ایران و ملت مبعوث و پیرو آن، داشته باشند. بعضی از اظهارنظرهای نسنجیده آنان به هیچ‌وجه قابل قبول و چشم‌پوشی نیست.»
خطرناک‌تر از توهین؛ پزشکیان و حلقه خود تحقیرانِ
نکته قابل تامل در ماجرای توهین مشاور پزشکیان، صرفا توهین نیست! بلکه موضوع حائز اهمیت‌تر که باید توجه بیشتری به آن داشت. مسئله تصوری که حلقه نزدیک رئیس جمهور نسبت به قدرت کشور و نگاه تحقیرانه‌ای که آنها در خود دارند است.
بویژه اینکه این موضوع در شرایط نامساعد اقتصادی کنونی و دست و پنجه نرم کردن مردم کشورمان با این مشکلات بیش از حد قابل توجه است.
موضوعی که آثار آن در اظهارات شخص پزشکیان بارها دیده شده بود بویژه اینکه او در در مهر ۱۴۰۳ در نیویورک در دیدار با ایرانیان مقیم آمریکا گفته بود: «ما دعوا نداریم... گفت‌وگو می‌کنیم اما تحقیر را نمی‌پذیریم. آمریکا اول بپذیرد ما آدم هستیم.» به تعبیری دیگر خود باختگی و خودتحقیری در نهان فکری رئیس جمهور و حلقه اطراف او نهادینه شده و این موضوعی بسیار خطرناک است.
البته که این خودتحقیری ها محدود به این موارد نمی‌شود و رئیس جمهور در مناظرات انتخابات ریاست جمهوری تعابیری خودتحقیرانه درباره وضعیت کشور به کار برده بود. تعابیری چون «هیچ حاکمیتی در درون قفس نتوانسته به رشد و شکوفایی برسد.» «دور خودمان قفس نکشیم. بدون تعامل خارجی در قفس زندگی می‌کنیم.» «در درون قفس نمی‌توانیم رشد کنیم.»

مشاور پزشکیان باید اخراج شود!

در همین راستا، حامد یزدیان نماینده مردم اصفهان در گفتگو با «نوبنیاد» در رابطه با حضور مشاوران بدسابقه و با تفکرات خطرناک در کنار رئیس جمهور، اظهار کرد: «یکی از آفت‌هایی که متأسفانه در سال‌های اخیر در مورد برخی مسئولان با آن مواجه هستیم و اخیراً نیز در اطراف رئیس جمهور و در یکی دو سال اخیر در اطراف رئیس مجلس بیشتر مشاهده می‌شود، حاشیه‌سازی اطرافیان است.»
وی افزود: متأسفانه در انتخاب مشاوران و اطرافیان، به‌ویژه در این دوره، اتفاقاتی رخ می‌دهد که وزن حواشی را از متن بیشتر کرده است. حاشیه‌هایی که ایجاد می‌کنند و اظهارنظرهای نسنجیده‌ای که مطرح می‌شود، هم برای کشور و هم برای خود این شخصیت‌ها حاشیه‌ساز است و حتماً در کوتاه‌مدت و بلندمدت، مسائلی ایجاد می‌کند که به هیچ وجه به نفع و صلاح کشور نیست.»
نماینده مردم اصفهان ادامه داد: «اینکه اطرافیان شخصیت‌هایی مانند رئیس جمهور افرادی باشند که به هیچ جایگاه، منبع و مرجعی در کشور پاسخگو نباشند، اما همواره اظهارنظر کنند و به خود این حق را بدهند که در همه مسائل کشور اظهار نظر داشته باشند، مسئله‌ای قابل تأمل است؛ به‌خصوص اظهارنظرهایی که با اصول و آرمان‌های کشور و شرع منافات دارد.»
وی با بیان اینکه اظهارات شفیعیان، به ایران و مردم ایران، در حد و شأن خود اوست. افزود: پسر رئیس جمهور، اطرافیان رئیس جمهور و برخی مشاوران رئیس مجلس نیز در مواردی وحدت ملی را دچار خدشه می‌کنند، آرمان‌های کشور را مورد هدف قرار می‌دهند و بعضاً به مردم اهانت می‌شود. متأسفانه این افراد نه تنها در برابر هیچ نهادی پاسخگو نیستند، بلکه از سوی خود این مقامات نیز هیچ‌گونه کنترل، نظارت و تذکری به آنها داده نمی‌شود.
وی تصریح کرد: به نظرم این یک بلای بسیار جدی است که در کشور در حال ایجاد شدن است و باید حتماً برای آن چاره‌اندیشی کرد. نمی‌شود که اطرافیان برخی از مسئولان نیز از هرگونه پاسخگویی و برخورد مصونیت داشته باشند.
نماینده مردم اصفهان تأکید کرد: در شرایطی که ممکن است یک نماینده مجلس به دلیل کوچک‌ترین اظهارنظر مورد مواخذه قرار گیرد، نمی‌توان پذیرفت که اطرافیان چنین شخصیت‌هایی آزادانه هر سخنی را مطرح کنند. یزدیان در پایان بر ضرورت برخورد با شفیعیان تاکید کرد و تصریح داشت: «باید با چنین افرادی یک برخورد قاطع صورت پذیرد» گفتنی است که در کارنامه اطرافیان رئیس جمهور، توهین به ایران و مردم مبعوث شده کشورمان سابقه‌ای طولانی دارد. پیش از این یوسف پزشکیان در توییتی توهین‌آمیز خطاب به مردم مبعوث شده خیابان نوشته بود: «شما که مدعی هستین پیشتاز بشین. مثل مردم بمن زندگی کنین. یارانه نگیرین، از برق سراسری استفاده نکنین، هزینه‌های زندگی تان را نصف کنین، سفر نکنین، جز به ضرورت از هیچ خودرویی استفاده نکنین. اگر همین مردم جانفدا بتوانند هزینه زندگی خود را نصف کنند دولت هم زبانش در مقابل دشمنان دراز می‌شود. نمی‌شود از وضعیت معیشت و اقتصاد و زندگی ناله و شکایت کرد و از طرف دیگر گفت که بزنید به دهان فلانی و فلانی.»



نخستین جلسه ستاد سالگرد عروج خونین امام مجاهد شهید برگزار شد



روز گذشته، نخستین جلسه ستاد «سالگرد عروج خونین امام مجاهد شهید» با حضور اعضای منصوب این ستاد و با هدف برنامه‌ریزی برای برگزاری مراسم اولین سالگرد شهادت رهبر انقلاب اسلامی برگزار شد. این جلسه صبح روز، شنبه ۲۳ آبان ماه ۱۴۰۵ به ریاست محمدرضا عارف معاون اول رئیس جمهور، با حضور اعضای منصوب این ستاد و با هدف برنامه‌ریزی برای برگزاری مراسم اولین سالگرد شهادت رهبر انقلاب اسلامی برگزار شد.

در نخستین جلسه این ستاد که اعضای آن طی حکمی از سوی حجت‌الاسلام والمسلمین سیّد محسن خامنه‌ای رئیس دفتر حفظ و نشر اندیشه و آثار امام مجاهد شهید حضرت آیت‌الله‌العظمی سیّدعلی خامنه‌ای منصوب شده بودند، محمدرضا عارف معاون اول رئیس جمهور، غلامعلی حدادعادل مشاور رهبر معظم انقلاب، حسین محمدی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، حجت‌الاسلام والمسلمین حسین طائب رئیس سازمان بسیج مستضعفین، پیمان جبلی رئیس سازمان صدا و سیما، سیّد عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، سیّد حمید پورمحمدی رئیس سازمان برنامه و بودجه، محمّدصادق معتمدیان استاندار تهران و علیرضا زاکانی شهردار تهران حضور داشتند. اعضای این ستاد در این نشست به بیان دیدگاه‌ها و نظرات خود برای برگزاری مراسم سالگرد در ایام ۹ اسفند در ابعاد ملّی و بین‌المللی پرداختند که هدف اصلی آن امتدادبخشی به راه و پیام آن رهبر الهی است. همچنین اعضای این ستاد بر تقویت بُعد بعثت یافتگی ملّت و امّت، تعمیق انسجام ملّی و اسلامی، توجه به گستره و تنوع مخاطبان بین‌المللی و اهتمام به فعالیت‌های مردمی، در جریان برنامه‌ریزی‌های این ستاد تأکید کردند.

گزارش نوبنیاد از حواشی طرح مجلس درباره تغییر ساختار وزارت اطلاعات

شرط اجتهاد می‌ماند یا حذف می‌شود؟

پس از چند ماه تاخیر غیرقانونی دولت در معرفی وزیر پیشنهادی اطلاعات به مجلس و در شرایطی که خود مجلس متاثر از تعطیلی چند ماهه صحن علنی، تاحد زیادی کارکردهای نظارتی خود را از دست داده، طرح تعدادی از نمایندگان برای تغییر ساختار وزارت اطلاعات حذف شرط اجتهاد برای تصدی این وزارتخانه مهم، راهبردی و کلیدی مورد توجه قرار گرفته است. در دستورکار قرارگرفتن این طرح در شرایطی است که برخی نمایندگان پیش از این خبر داده بودند که برخی گزینه‌های مدنظر پزشکیان برای وزارت اطلاعات، با مخالفت صریح رهبر معظم انقلاب مواجه شده است.

امین مهاجر
روزنامه نگار

نمایندگان مجلس امروز (یکشنبه ۲۴ آبان ماه) تقاضای دوفوریت طرح اصلاح قانون تأسیس وزارت اطلاعات و قانون تعیین ضوابط و شرایط انتصاب وزیر اطلاعات را بررسی می‌کنند؛ طرحی که علاوه بر حذف شرط اجتهاد برای وزیر اطلاعات، تشکیل ۲ سازمان جدید شامل «حفاظت اطلاعات» و «عقیدتی سیاسی» در ساختار این وزارتخانه را پیش‌بینی کرده است. این طرح دوفوریتی توسط ابراهیم عزیزی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در سامانه قوانین مجلس بارگزاری شده است.

آنگونه که برخی نمایندگان گفته‌اند بر اساس این طرح، بند (۱) قانون تعیین ضوابط و شرایط انتصاب وزیر اطلاعات که شرط «تحصیلات در حد اجتهاد» را تعیین کرده، حذف می‌شود و همزمان احکام مواد ۵ و ۶ قانون وزارت دفاع در مورد وزارت اطلاعات نیز اعمال می‌گردد و دو سازمان جدید «حفاظت و اطلاعات» و «عقیدتی سیاسی» در واجا مشابه قانون وزارت دفاع و با حکم رهبر انقلاب برای روسای آن تشکیل خواهد شد.

متن مواد ۵ و ۶ قانون وزارت دفاع بدین شرح است:

ماده ۵- به منظور حفظ و صیانت وزارت و سازمان‌های وابسته در زمینه‌های امنیتی، سازمانی وابسته به وزارت با سلسله مراتب مستقل و متمرکز بنام سازمان عقیدتی- سیاسی تشکیل می‌گردد که ماموریت و وظایف قانونی سازمان‌های مشابه در ارتش و سپاه را با همکاری آنها در وزارت بر عهده خواهد داشت.

تبصره- رئیس این سازمان توسط مقام معظم رهبری منصوب خواهد شد.

ماده ۶- به منظور رشد و گسترش فرهنگ و ارزش‌های اسلامی در وزارت و سازمان‌های وابسته، سازمانی وابسته با سلسله مراتب مستقل و متمرکز بنام سازمان عقیدتی- سیاسی تشکیل می‌گردد که ماموریت و وظایف قانونی سازمان‌های مشابه در ارتش و سپاه را با همکاری آنها در وزارت بر عهده خواهد داشت.

تبصره- رئیس این سازمان توسط مقام معظم رهبری منصوب خواهد شد.

شرط اجتهاد می‌ماند یا حذف می‌شود؟

پس از طرح اخباری مبنی بر حذف شرط اجتهاد برای وزیر اطلاعات در طرح یادشده، برخی نمایندگان نسبت به آن موضع گرفته و حتی از بازپس گیری امضای خود خبر دادند. از جمله مهدی کوچک‌زاده نماینده مردم تهران در مجلس از انصراف خود از امضای طرح دوفوریت اصلاح قانون تأسیس وزارت اطلاعات و قانون تعیین ضوابط و شرایط انتصاب وزیر اطلاعات خبر داد و گفت: از حذف شرط اجتهاد برای وزیر اطلاعات اطلاع نداشتم؛ بنابراین با این بخش از طرح موافق نیستم.

حسین صمصامی دیگر نماینده تهران در مجلس نیز از انصراف خود از امضای طرح دوفوریت اصلاح قانون تأسیس وزارت اطلاعات و قانون تعیین ضوابط و شرایط انتصاب وزیر اطلاعات خبر داد و گفت: باید حذف شرط اجتهاد جایگزینی هم داشته باشد که عملا به این شکل نیست و در اجرا نیز با مشکل مواجه خواهد شد.

در پاسخ به این ابهامات، مالک شریعتی نائب رئیس مجمع نمایندگان ملت مبعوث با تشریح جزئیات طرح دو فوریتی درباره ساختار وزارت اطلاعات، تأکید کرد: این طرح به معنای حذف شرط اجتهاد وزیر اطلاعات نیست، بلکه جایگزینی دو سازمان جدید با عناوین «حفاظت اطلاعات» و «عقیدتی سیاسی» در وزارت اطلاعات را دنبال می‌کند. وی در توضیح این طرح ادامه داد: طرح جایگزینی این ۲ سازمان جدید در واجا (وزارت اطلاعات) با حکم رهبرانقلاب برای روسای آنها، «با شرط اجتهاد وزیر» است. شریعتی عنوان کرد: این تغییر، سبب کارآمدی بیشتر وزیر، تضمین بیشتر سلامت برای اجزاء وزارت اطلاعات و هماهنگی کامل‌تر وزارت با رهبری خواهد شد.

جلسه مهم مجلس مجازی شد!

در شرایطی که انتظار می‌رفت جلسه مهم مجلس شورای اسلامی برای بررسی طرح اخیر درباره وزارت اطلاعات به صورت حضوری برگزار شود، اما روز گذشته اعلام شد که جلسه امروز مجلس نیز مجازی است و حضوری برگزار نمیشود. طبق این گزارش، حتی برعکس بعضی از جلسات اخیر که یک سوم نمایندگان حضورا در صحن مجلس حاضر میشدند، جلسه امروز مجلس کاملا مجازی است!

خبر کوتاه

واکنش عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس به ادعای جدید ترامپ

ابراهیم رضایی، عضو کمیسون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در صفحه شخصی خود نوشت: ترامپ باز هم از برنامه‌اش برای نابودی ایران گفته است. هر وقت توانست بدون ماشین غذا فرار کند، از رویاهای خود بگوید.

آتش‌سوزی یک نفتکش متخلف

روز گذشته، یک نفت‌کش متخلف دیگر، در منطقه ممنوعه شرق تنگه هرمز، بر اثر برخورد با مین دریایی، دچار آتش‌سوزی شد. روابط عمومی نیروی دریایی ارتش با تاکید بر اینکه شرق تنگه هرمز کاملا در کنترل و رصد نیروی دریایی ارتش است بیان کرد: آتش سوزی و انفجار، سرنوشت کشتی های متخلفی است که سامانه های ردیابی خود را خاموش کرده و در مناطق ممنوعه تردد می کنند.

تغییر نام خانوادگی فرزندان یک مسئول ارشد دولت حسن روحانی

یکی از مسئولان ارشد دولت آقای حسن روحانی (ع.آ) با پیگیری از سازمان ثبت احوال، نام خانوادگی فرزندان خود را تغییر داده و نام خانوادگی جدیدی با عنوان «کیانی» برای آنها ثبت کرده است. مشخص نیست که این تغییر نام خانوادگی برای چه منظوری صورت گرفته است؛ آیا مسئله خروج این فرزندان از ایران و زندگی در خارج از کشور مطرح است و یا انگیزه و هدف دیگری مانند اهداف اقتصادی و ... از این تغییر نام خانوادگی در میان بوده است؟/ تسنیم

نبویان: مدعیان تبعیت از رهبری دست از تفاخر به تفاهم اسلام آباد بر نمی‌دارند

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس در صفحه شخصی خود نوشت: ظاهرا تفاهم اسلام آباد (تفاهم ۱۴بندی پایان جنگ) که با قاتل رهبر امضا شد، آنچنان حیثیتی ومقدس شده که با وجود نقض عهد دشمن، اشکالات فراوان به متن آن ونظر صریح رهبری (علی الاصول)، برخی دست از تفاخر به آن برنمی‌دارند و خنده دار تر آن است که مدعی تبعیت از رهبری هم هستند!!!

احکام انضباطی، دانشجویان اغتشاشگر را پشیمان نکرد

شورای مرکزی انضباطی دانشجویان در جلسه ۲۴ شهریور ۱۴۰۵، پرونده یک دانشجونمای اغتشاشگر را بررسی و حکم اخراج همراه با محرومیت تحصیلی را صادر کرده است. در این حکم گفته شده که کهن‌زاد (دانشجونمای اغتشاشگر) با برنامه‌ریزی قبلی و در جهت ضربه زدن به ارکان نظام به ایجاد بلوا و آشوب در محیط دانشگاه اقدام کرده است. شورای انظباطی همچنین برافراشتن پرچم شیر و خورشید را «فراتر از یک حضور ساده در تجمع» توصیف کرده و آن را اقدامی «سازمان‌یافته و نمادین در تقابل با هویت ملی و ارکان نظام اسلامی» دانسته است. برافراشتن نمادهای سلطنت طلبان در دانشگاه در حالی است که حامیان این نماد خواستار حمله نظامی آمریکا به ایران شده بودند؛ حمله‌ای که در جریان آن، کودکان مینا‌ب و شمار زیادی از شهروندان ایرانی به شهادت رسیدند. نکته قابل توجه در رابطه با کهن‌زاد این است که او نه تنها با حکم صادره ابراز ندامت نکرده بلکه در فضای مجازی بر ادامه مواضعش تاکید کرده است!

کالابرگ را با اطلاعات غلط از سفره مردم حذف نکنید



عضو هیئت‌رئیسه کمیسیون برنامه و بودجه مجلس گفت: اطلاعات دستگاه‌های اجرایی برای شناسایی درآمد خانوارها و در پی آن، حذف کالابرگ، دقیق و صحیح نیست و نمی‌توان براساس چنین اطلاعاتی درباره وضعیت معیشتی مردم تصمیم‌گیری کرد.
محسن بیگلری با بیان اینکه در گذشته نیز در زمینه شناسایی درآمد خانوارها و ایجاد بانک اطلاعاتی دقیق در این حوزه با مشکلات عمده‌ای مواجه بوده‌ایم، افزود: در برخی موارد، به افرادی که کالابرگ به آنها اختصاص داده نمی‌شد، اعلام می‌کردند که دارای اموالی همچون خودرو یا یک خانه کلنگی با متراژ ۴۰ تا ۵۰ متر هستند؛ این در حالی است که همین افراد برای تأمین معاش روزانه خود با مشکل مواجه بودند، اما دستگاه‌های اجرایی با استناد به همین موارد، یارانه آنها را قطع می‌کردند. او تأکید کرد: از سوی دیگر، افرادی را می‌شناسم که بدهکار بوده‌اند و پس از دریافت تسهیلات بانکی برای پرداخت بدهی‌های خود، مبلغی به حسابشان واریز شده، اما بلافاصله کالابرگ آنها قطع شده است؛ آن هم با این استدلال که منابع مالی در حساب این افراد وجود داشته است.
این نماینده مجلس با بیان اینکه دستگاه‌های اجرایی همچنان اطلاعات دقیقی از میزان درآمد واقعی خانوارها در اختیار ندارند، گفت: باید توجه داشت که براساس برخی گزارش‌ها، با توجه به نرخ تورم فعلی، حدود ۸۰ درصد کارمندان دولت زیر خط فقر قرار دارند و به‌سختی امرار معاش می‌کنند؛ بنابراین، حذف کالابرگ این اقشار واقعاً ظلم در حق آنها خواهد بود. عضو هیئت‌رئیسه کمیسیون برنامه و بودجه مجلس ادامه داد: از سوی دیگر، مبلغ فعلی کالابرگ که به حساب خانوارها واریز می‌شود نیز رقم چندان قابل توجهی نیست و نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای معیشتی آنها باشد.
بیگلری تصریح کرد: حقوق برخی کارمندان، کارگران و بازنشستگان بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان است و با چنین مبالغی، نهایتاً می‌توانند هزینه چند وعده غذای خود را برای چند روز تأمین کنند. بنابراین، مبلغ کالابرگ حداقل باید به ۲ تا ۳ میلیون تومان افزایش می‌یافت.
وی با بیان اینکه تورم و افزایش قیمت کالاهای اساسی مشکلات زیادی برای خانوارها ایجاد کرده است، گفت: برای مثال، فردی را در نظر بگیرید که یک خودروی معمولی پراید دارد و با همان امرار معاش می‌کند؛ چنین فردی برای تعویض روغن و... خودروی خود باید حدود ۸ میلیون تومان هزینه کند. در چنین شرایطی، قطع کالابرگ و یارانه کمک‌معیشتی مردم به هیچ‌وجه منطقی نیست.

موج خبر

گران‌سازی دولت، به کود کشاورزی رسید

دولت چهاردهم در ادامه سیاست‌های گران‌سازی، این بار با تغییر سازوکار عرضه کود شیمیایی و واگذاری قیمت‌گذاری آن به بورس کالا، هزینه تولید محصولات کشاورزی را افزایش خواهد داد. در شرایطی که بخش کشاورزی با مشکلاتی مانند کمبود نقدینگی، افزایش هزینه تأمین نهاده و نوسانات قیمت محصولات روبه‌روست، افزایش حدود ۱۲۰ درصدی قیمت کود اوره می‌تواند فشار مضاعفی بر بخش کشاورزی وارد کند؛ فشاری که در نهایت به کاهش تولید و افزایش قیمت محصولات غذایی منجر می‌شود. پیش از این، کودهای شیمیایی با قیمت‌های حمایتی و یارانه‌ای در اختیار کشاورزان قرار می‌گرفت، اما با تغییر سازوکار عرضه و انتقال فروش به بورس کالا، قیمت این نهاده‌ها با افزایش قابل توجهی مواجه شده است. هرچند دولت مدعی است یارانه کود حذف نشده و صرفاً شیوه پرداخت آن تغییر کرده است، اما کشاورزان اکنون برای خرید نهاده باید هزینه بیشتری بپردازند و سپس در انتظار دریافت حمایت دولتی بمانند. این موضوع به‌ویژه برای کشاورزان خرد که سرمایه در گردش محدودی دارند، مشکلات جدی ایجاد می‌کند.
کود اوره یکی از اصلی‌ترین نهاده‌های مورد استفاده در تولید محصولات کشاورزی از جمله گندم، برنج و سایر محصولات اساسی است. افزایش قیمت این نهاده می‌تواند کشاورزان را به کاهش مصرف کود وادار کند؛ تصمیمی که اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت هزینه‌های آنها را کاهش دهد، اما در بلندمدت به افت عملکرد مزارع و کاهش میزان تولید منجر خواهد شد. به این ترتیب، سیاستی که با هدف اصلاح نظام توزیع نهاده‌ها اجرا شده، ممکن است نتیجه‌ای معکوس در بخش تولید داشته باشد.
محمدجواد عسکری، رئیس کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط زیست مجلس نیز از بررسی موضوع عرضه کود اوره در بورس کالا خبر داد و گفت: موضوع عرضه کود اوره در بورس کالا و افزایش حدود ۱۲۰ درصدی قیمت این نهاده مهم تولید، با حضور مسئولان دستگاه‌های مربوطه اجرایی در کمیسیون کشاورزی بررسی خواهد شد. وی افزود: افزایش قیمت این نهاده می‌تواند آثار منفی بر فعالیت کشاورزان و هزینه‌های تولید داشته باشد. عسکری هشدار داد: افزایش قیمت کود اوره ممکن است موجب کاهش مصرف این نهاده از سوی کشاورزان شود که در نهایت بر بهره‌وری در واحد سطح و میزان تولید محصولات کشاورزی تأثیر منفی خواهد گذاشت. دولت نمی‌تواند از یک سو بر ضرورت خودکفایی در محصولات اساسی و افزایش تولید کشاورزی تأکید کند و از سوی دیگر با تغییر سیاست‌های حمایتی، هزینه تأمین نهاده‌های اصلی تولید را گران کند. این گرانی قیمت مواد غذایی را افزایش خواهد داد.

نوبنیاد تذکر عارف و واکنش دیوان محاسبات به قاچاق سوخت را بررسی کرد؛

معاون اول در مقابل طرح بنزینی معاونین

ماجرای بنزینی مطرح شده از سوی معاون مسعود پزشکیان بار دیگر به یکی از موضوعات بحث‌برانگیز کشور تبدیل شده است. اظهارات اسماعیل سقاب اصفهانی و محمدجعفر قائم‌پناه، درباره جمع‌آوری کارت‌های سوخت جایگاه‌ها و محدودیت دسترسی مردم به بنزین، با واکنش‌های گسترده‌ای مواجه شد؛ موضوعی که روز گذشته نیز در روزنامه نوبنیاد به‌صورت مفصل به آن پرداختیم. اکنون پرسش اصلی این است که آیا دولت به دنبال افزایش قیمت بنزین است و آیا گران کردن مشکل ناترازی بنزین را حل می‌کند؛ این در حالی است که ۹۰ درصد قاچاق سوخت به گازوئیل مربوط است نه بنزین.



هادی مولایی
روزنامه‌نگار

براساس تصمیم دولت، طرح جمع‌آوری کارت‌های اضطراری جایگاه‌داران در ۱۱ استان هرمزگان، سیستان و بلوچستان، کرمان، یزد، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، اردبیل، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و کردستان اجرا شده است. طبق اعلام شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران، در این استان‌ها، ۱۶۰ لیتر سهمیه بنزین در کارت سوخت شخصی افراد شارژ می‌شود. از این میزان، ۶۰ لیتر با قیمت ۱۵۰۰ تومان، ۵۰ لیتر با نرخ ۳۰۰۰ تومان و ۵۰ لیتر نیز با نرخ سوم، یعنی ۱۰ هزار تومان، در اختیار مردم قرار می‌گیرد. براساس اعلام این شرکت، سهمیه ۱۶۰ لیتری برای بخش عمده‌ای از مردم کفایت می‌کند و حدود ۹۰ درصد مصرف‌کنندگان با این میزان سهمیه مشکلی (کمبود) نخواهند داشت و افرادی که به سوخت بیشتری نیاز دارند نیز می‌توانند از بنزین سوپر داخلی استفاده کنند که در برخی جایگاه‌ها در حال توزیع است. وزارت نفت هدف از اجرای این طرح را انتقال مدیریت مصرف سوخت از جایگاهداران به مردم عنوان کرده است؛ به این معنا که به جای وابستگی مدیریت مصرف به کارت‌های اضطراری جایگاه‌ها، هر فرد از طریق کارت سوخت شخصی خود میزان مصرفش را مدیریت کند. با این حال، هنوز مشخص نیست کدام استان‌ها در مراحل بعدی این طرح قرار دارد.

عارف تذکر داد اما تکذیب نکرد

در حالی که اظهارات معاونان رئیس دولت چهاردهم درباره بنزین نگرانی‌هایی را در جامعه ایجاد کرده، محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور، روز گذشته به مسئولان دولت درباره اظهارنظرهای پراکنده در این زمینه تذکر داد.
عارف در جلسه تعیین سیاست‌های کلان گندم برای سال ۱۴۰۶، با اشاره به ضرورت وحدت رویه در اطلاع‌رسانی دولت درباره مسائل مهم و حساس جامعه، تأکید کرد: «دولت سخنگوی مشخصی دارد و مواضع و تصمیمات رسمی آن از طریق خانم مهاجرانی، سخنگوی دولت، در نشست‌های رسانه‌ای اعلام می‌شود. تصمیمات دولت درباره بنزین و فرآورده‌های نفتی از طریق سخنگوی دولت یا مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی اعلام می‌شود.» معاون اول رئیس جمهور با تأکید بر ضرورت خودداری مسئولان از اظهارنظر درباره موضوعاتی که هنوز مراحل تصمیم‌گیری نهایی را طی نکرده‌اند، گفت: «گاهی در حاشیه برخی جلسات، مسائلی مطرح می‌شود که الزاماً راهبرد و تصمیم دولت نیست. تقاضای من از همکاران در دولت این است که حتی وقتی دولت در آستانه اتخاذ تصمیمی قرار دارد، اما هنوز آن تصمیم نهایی نشده است، درباره آن صحبت نکنند.» او با اشاره به فرآیند بررسی پیشنهادها در کارگروه‌ها و کمیته‌های تخصصی افزود: «تا پیش از تصمیم‌گیری نهایی، ممکن است تصمیمات کارگروه‌ها یا کمیته‌ها اصلاح شوند یا تغییر کنند؛ بنابراین نباید موضوعاتی را که هنوز قطعی نشده‌اند، به‌عنوان تصمیم رسمی دولت مطرح کرد.» تذکر عارف از این جهت قابل توجه است که دولت را به داشتن یک مرجع مشخص برای اطلاع‌رسانی درباره موضوعات حساس اقتصادی ملزم می‌کند؛ اقدامی که می‌تواند از انتشار اظهارات متناقض و ایجاد نگرانی در جامعه جلوگیری کند. با این حال، معاون اول رئیس جمهور سخنان سقاب اصفهانی و قائم‌پناه را تکذیب نکرد و صرفاً بر نهایی نشدن تصمیمات و ضرورت هماهنگی در اطلاع‌رسانی تأکید کرد. این موضوع نشان می‌دهد پیشنهادها و مباحث مربوط به بنزینی در دولت مطرح شده، اما هنوز به تصمیم و جمع‌بندی نهایی نرسیده است.

تصمیم‌گیری براساس آمار اشتباه!

یکی دیگر از موضوعات بحث‌برانگیز در ماجرای بنزین، ادعای قاچاق روزانه ۳۰ میلیون لیتر سوخت است که قائم‌پناه مطرح کرده بود. در همین حال سید نظام‌الدین موسوی، سخنگوی دیوان محاسبات کشور، در واکنش به اظهارنظرها درباره حذف کارت سوخت جایگاه‌ها گفت: «براساس آمارهای اعلام‌شده از سوی مقامات و دستگاه‌های مسئول، روزانه بین ۲۵ تا ۳۰ میلیون لیتر سوخت در کشور قاچاق می‌شود که حدود ۹۰ درصد آن مربوط به گازوئیل، بخشی مربوط به فرآورده‌هایی نظیر نفت سفید و نفت کوره و کمتر از ۵ درصد مربوط به بنزین است.» وی با بیان اینکه در شرایط فعلی مقابله با قاچاق گازوئیل باید اولویت اصلی دولت و دستگاه‌های مسئول باشد، اظهار کرد: «اگرچه کنترل مصرف بنزین نیز ضروری است، اما با توجه به سهم اندک بنزین در قاچاق سوخت و همچنین آمار تولید و مصرف این فرآورده، تمرکز اصلی باید بر مهار قاچاق گازوئیل باشد.» سخنگوی دیوان محاسبات کشور تصریح کرد: «بر همین اساس، دولت باید با اجرای دستورالعمل ۲۴ ماده‌ای، اقدامات لازم را برای مقابله با این پدیده در دستور کار قرار دهد و در عین حال، از اظهارنظرهایی که موجب نگرانی مردم و برهم خوردن آرامش روانی جامعه می‌شود پرهیز کند.» موسوی اعلام کرد: «میانگین تولید روزانه بنزین در ماه گذشته حدود ۱۳۱ میلیون و ۵۰۰ هزار لیتر و میزان مصرف روزانه در همین مدت حدود ۱۲۸ میلیون و ۵۰۰ هزار لیتر بوده است که نشان‌دهنده مازاد تولید روزانه حدود سه میلیون لیتر بنزین است.» براساس آمار دیوان محاسبات، تولید روزانه بنزین در ماه گذشته از مصرف آن بیشتر بوده است؛ بنابراین، سیاست‌گذاری درباره بنزین باید بر پایه آمار تفکیک‌شده تولید، مصرف و قاچاق انجام شود، نه ارقام کلی مربوط به قاچاق همه فرآورده‌های نفتی که این خود یک خطای محاسباتی است که می‌تواند التهاب در کشور شود.

افزایش قیمت؛ راهکار کوتاه‌مدت یا سیاستی تکراری؟

در کنار محدودیت کارت‌های جایگاه، استفاده از ابزار قیمتی نیز یکی از راهکارهایی است که دولت برای مدیریت مصرف بنزین مدنظر دارد. رضا نواز، سخنگوی صنف جایگاه‌های سوخت کشور، در گفت‌وگو با ایسنا در این باره گفت: «استفاده از ابزار قیمتی در کوتاه‌مدت می‌تواند مصرف را کنترل کند و منابعی را برای بهبود و توسعه زنجیره تأمین و توزیع فراهم کند، اما تجربه نشان داده که در میان‌مدت و بلندمدت اثر افزایش قیمت از بین می‌رود. در چنین شرایطی اگر قرار باشد برای کنترل مصرف مجدداً قیمت‌ها افزایش یابد، این چرخه فشار اقتصادی بیشتری به مردم تحمیل می‌کند.» او تاکید کرد: «نمی‌توان تنها به افزایش قیمت برای مدیریت مصرف اتکا کرد و باید راهکارهای مکمل نیز در دستور کار قرار گیرد. در میان‌مدت باید ناوگان حمل‌ونقل عمومی توسعه پیدا کند و کیفیت و کفایت خدمات آن به‌ویژه در کلان‌شهرها افزایش یابد تا بتواند کاهش مصرف حاصل از سیاست‌های قیمتی را حفظ کند. در بلندمدت نیز باید تولید خودروهای کم‌مصرف، برقی‌سازی ناوگان و جایگزینی خودروهای فرسوده در دستور کار قرار گیرد.»

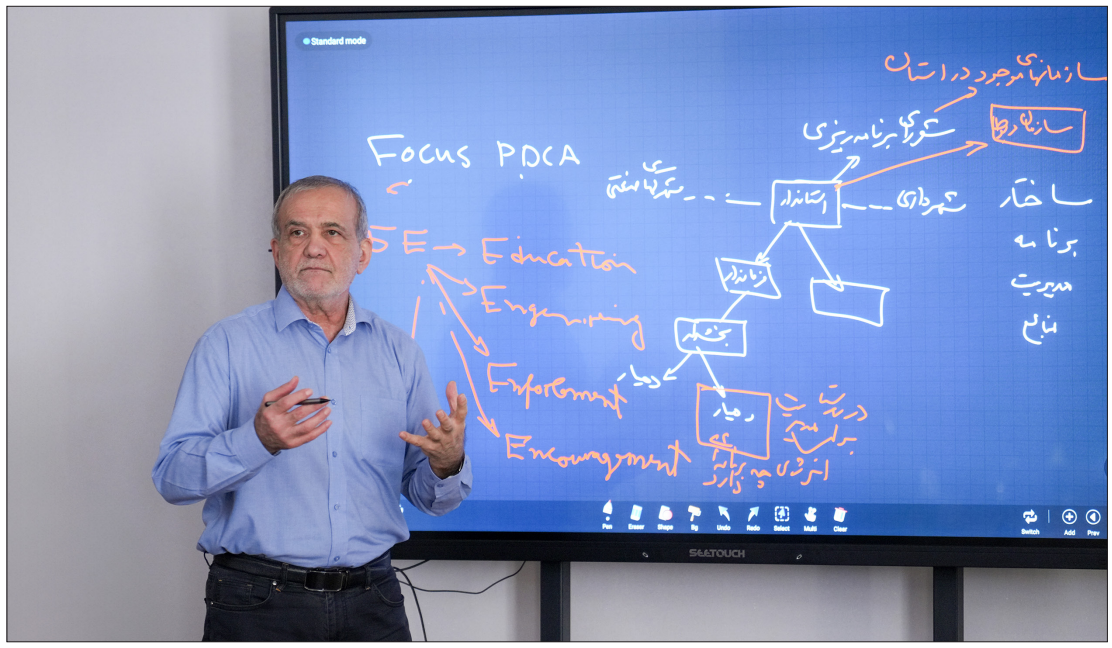
وقتی خودروسازان فراموش می‌شوند!

در کنار سیاست‌های قیمتی و محدودیت کارت‌های سوخت، موضوع دیگری که در مدیریت مصرف بنزین اهمیت دارد، میزان مصرف خودروهای تولید داخل است که به گفته کارشناسان علت اصلی ناترازی مصرف بیش از استاندارد این خودروهای تولید جاده مخصوص است؛ مثلا یکی از خودروهای تولید داخل به صورت ترکیبی در هر ۱۰۰ کیلومتر نزدیک ۸ لیتر بنزین مصرف دارد در حالی که مصرف یک خارجی هم کلاس آن بین ۴.۵ تا ۵ لیتر است.
در حالی که اسماعیل سقاب اصفهانی، رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی، بیش از هر چیز بر ضرورت مدیریت مصرف بنزین از سوی مردم تأکید دارد، توجهی به نقش خودروسازان در افزایش مصرف و ناترازی بنزین ندارد. مسعود پزشکیان، رئیس جمهور، ۲۵ آبان ۱۴۰۴ در جلسه هیأت دولت خطاب به وزیر صمت دستور داد: «در جلسه‌ای با خودروسازان، صریحاً اعلام کنید که اگر تا یک سال آینده موتور خودروها اصلاح و مصرف آنها بهینه نشود، هیچ‌گونه ارزی دریافت نخواهند کرد و اجازه تولید نیز نخواهند داشت.» پزشکیان ۷ آبان امسال نیز در جریان بازدید از سایپا هم گفت: «هر اندازه بتوانیم موتور و سایر قطعات خودرو را براساس استانداردهای جهانی توسعه دهیم، طراحی و به‌روزرسانی کنیم، به همان میزان مصرف سوخت کاهش می‌یابد و کیفیت، کارایی و عملکرد محصول ارتقا پیدا می‌کند.» با وجود این تأکیدهای رئیس دولت، اکنون سقاب اصفهانی که سازمان تحت مدیریت او با مأموریت بهینه‌سازی مصرف انرژی و افزایش بهره‌وری تشکیل شده، درباره میزان پیشرفت این دستورات به خودروسازان، اصلاح موتور خودروهای پرمصرف و الزام تولیدکنندگان به کاهش مصرف سوخت برنامه روشنی اعلام نکرده و دولت آن این ماجرا را پیگیری نمی‌کند.

نوبنیاد از تناقض شعار حمایت از تولید در دولت چهاردهم گزارش می‌دهد؛

چراغ را خاموش نکن

مسعود پزشکیان درحالی با خاموش کردن چراغ اتاق خود برای جلوگیری از قطع برق صنایع سخن می‌گوید که سیاست‌های اقتصادی دولت هزینه تولیدکنندگان را افزایش داده که یکی از این تصمیمات تغییر نرخ سود بانکی است. بر اساس تصمیم بانک مرکزی، نرخ سود بین بانکی از ۲۴ درصد به ۳۴ درصد رسیده و هم‌زمان آمارها از افت رشد اقتصادی و کاهش سرمایه‌گذاری حکایت دارد. در چنین شرایطی، حمایت از تولید با شعار و خاموش کردن چراغ اتاق رئیس جمهور محقق نمی‌شود؛ بلکه گران‌تر شدن تسهیلات بانکی می‌تواند چرخ تولید را متوقف کند.



نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

مسعود پزشکیان روز ۱۳ آبان در جلسه هماهنگی و بهینه‌سازی مصرف سوخت و انرژی، با تأکید بر ضرورت جلوگیری از قطع برق و گاز صنایع گفت: «بنده حاضرم برق اتاق خود را قطع کنم، اما برق و گاز بخش تولید قطع نشود.» او همچنین از امکان تعطیلی سالن‌های همایش پرمصرف، استخرها و مراکز بی‌بازده سخن گفت تا انرژی مصرفی آنها به بخش تولید اختصاص یابد. تردیدی نیست که در شرایط ناترازی انرژی، اولویت دادن به فعالیت صنایع و جلوگیری از توقف خطوط کارخانه‌ها ضروری است، اما مسئله اینجاست که تولید فقط به برق و گاز وابسته نیست. کارخانه برای ادامه فعالیت به سرمایه در گردش، مواد اولیه، نیروی کار، بازار فروش و امکان تأمین مالی نیاز دارد. وقتی هزینه دریافت منابع بانکی افزایش پیدا می‌کند، حتی تأمین برق پایدار نیز به‌تنهایی نمی‌تواند مانع کاهش تولید شود. رئیس دولت چهاردهم در حالی از ضرورت روشن ماندن چراغ کارخانه‌ها سخن می‌گوید که نرخ سود بین بانکی در هفته منتهی به ۱۴ آبان ۱۴۰۵ به ۳۳.۹۲ درصد رسیده است؛ در حالی که این نرخ پیش‌تر حدود ۲۴ درصد بود. این یعنی نرخ سود بین بانکی نزدیک به ۱۰ واحد درصد جهش کرد. همچنین نرخ اعتبارگیری قاعده‌مند از ۲۴ به ۳۴ درصد، حداقل نرخ توافق بازخرید از ۲۳ به ۳۲ درصد و نرخ سپرده‌گذاری قاعده‌مند از ۱۷ به ۲۶ درصد افزایش یافته است. این تغییرات نشان می‌دهد سیاست‌گذار پولی به سمت انقباض بیشتر حرکت می‌کند و احتمالا در آینده نزدیک نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات بانکی هم با این افزایش مواجه شود. با این حال افزایش هزینه تأمین منابع بانک‌ها می‌تواند بر سیاست اعتباری آنها و شرایط دریافت تسهیلات از سوی بنگاه‌ها اثر بگذارد. از سوی دیگر، بانک مرکزی اول مرداد امسال از افزایش نسبت سپرده قانونی بانک‌ها در دو مرحله و در مجموع به میزان ۱.۵ واحد درصد خبر داد. افزایش سپرده قانونی به معنای آن است که بانک‌ها باید سهم بیشتری از منابع خود را نزد بانک مرکزی نگهداری کنند و در نتیجه، بخشی از منابع قابل استفاده آنها برای پرداخت تسهیلات محدود می‌شود. در چنین شرایطی، بنگاه‌هایی که برای تأمین مواد اولیه و پرداخت هزینه‌های جاری به اعتبارات بانکی وابسته‌اند، با دشواری بیشتری روبه‌رو خواهند شد.

پرداخت وام تولید و ازدواج محدود می‌شود

محمدطاهر رحیمی، پژوهشگر اقتصادی، نیز با اشاره به افزایش نرخ بهره بین بانکی به محدوده ۳۳ تا ۳۴ درصد گفت: «آقای همتی نرخ بهره بین بانکی را افزایش داده و در واقع کریدور نرخ بهره را بالا برده است. این سیاست باعث شده نرخ بهره بین بانکی به حدود ۳۳ تا ۳۴ درصد برسد.» او افزود: «این اقدام دست‌وپای بانک‌ها را برای خلق پول می‌بندد و قدرت خلق پول آنها را کاهش می‌دهد. وقتی قدرت خلق پول بانک‌ها کاهش پیدا می‌کند، بانک‌ها همان پولی را که خلق می‌کنند به چه کسانی اختصاص می‌دهند؟ کدام وام‌ها را زودتر از بقیه حذف می‌کنند؟ وام‌های قرض‌الحسنه، ازدواج و فرزندآوری؛ یعنی وام‌هایی که برای تولید و حمایت از خانوارها در نظر گرفته شده‌اند، زودتر از سایر تسهیلات حذف می‌شوند.» این پژوهشگر اقتصادی با اشاره به اینکه در چنین شرایطی تسهیلات به سمت گروه‌های خاصی هدایت می‌شود، گفت: «آن دسته از وام‌هایی باقی می‌مانند که بانک‌ها به سفته‌بازان پرداخت می‌کنند؛ افرادی که سپرده‌هایشان در بانک‌ها قرار دارد و بانک‌ها نیز برای پرداخت تسهیلات به آنها انگیزه دارند. در واقع، بانک‌ها وام‌های خود را به این افراد اختصاص می‌دهند.» رحیمی با بیان اینکه وقتی نرخ بهره را افزایش می‌دهید، وام‌ها به این گروه محدود می‌شوند، تصریح کرد: «افزایش نرخ بهره باعث می‌شود وام‌دهی و خلق پول در شرایطی که اقتصاد ما با آن مواجه است، در خدمت سفته‌بازان قرار بگیرد و مردم از خلق پول بانکی محروم شوند. در واقع، وقتی دست بانک‌ها را برای خلق پول می‌بندید، همان میزان پولی که خلق می‌شود نیز در خدمت این گروه قرار می‌گیرد. با این کار تورم کنترل نمی‌شود و چه‌بسا تورم تشدید خواهد شد.»

تولید زیر فشار سیاست‌های دولت

نگاهی به آمارهای بانک مرکزی نیز نشان می‌دهد وضعیت بخش‌های مولد اقتصاد با شعارهای حمایتی فاصله دارد. گزارش بانک مرکزی از عملکرد اقتصاد در سال ۱۴۰۴، از ثبت رشد اقتصادی منفی ۰.۷ درصدی حکایت دارد. در این سال، گروه صنایع و معادن با کاهش ۳.۲ درصدی مواجه شده و بخش صنعت نیز افت ۳.۴ درصدی را تجربه کرده است. این ارقام در حالی ثبت شده که تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در سال ۱۴۰۴ نیز ۱۱.۹ درصد کاهش یافته است. وضعیت در بهار ۱۴۰۵ نیز نگران‌کننده‌تر شده است. طبق گزارش بانک مرکزی، رشد اقتصادی کشور در این فصل با احتساب نفت به منفی ۱۲.۲ درصد و بدون نفت به منفی ۱۰.۳ درصد رسید. گروه صنایع و معادن نیز با افت ۲۱.۷ درصدی مواجه شده و ارزش افزوده بخش صنعت ۲۱.۶ درصد کاهش یافته است.

حمایت از تولید از شعار فراتر نرفته است

واقعیت این است که چرخ تولید با خاموش کردن یک لامپ نمی‌چرخد. کارخانه برای ادامه فعالیت به برق پایدار، گاز کافی، مواد اولیه، نیروی کار، سرمایه در گردش و تسهیلات بانکی نیاز دارد. وقتی رشد اقتصادی منفی است، سرمایه‌گذاری کاهش یافته و بخش صنعت با افت تولید مواجه شده، دولت نمی‌تواند صرفاً با اقدامات نمادین از رونق تولید سخن بگوید. تناقض سیاستی دولت چهاردهم نیز دقیقاً در همین نقطه است. از یک طرف رئیس جمهور با ادبیاتی احساسی از آمادگی برای قطع برق اتاق خود سخن می‌گوید تا کارخانه‌ها تعطیل نشوند و از طرف دیگر، سیاست پولی کشور به سمت افزایش هزینه منابع مالی و محدودتر شدن شرایط اعتباری حرکت می‌کند. دولت چهاردهم اگر واقعاً به دنبال چرخیدن چرخ تولید است، باید میان شعارهای خود و سیاست‌های اجرایی هماهنگی ایجاد کند.

آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد در هفت ماهه نخست امسال، از ۷۱۴۹ همت تسهیلات پرداخت شده به کسب‌وکارها، ۶۰۴۹ همت معادل ۸۴.۶ درصد صرف تأمین سرمایه در گردش شده است. در بخش صنعت و معدن نیز از ۳۲۱۲ همت تسهیلات پرداختی، ۲۸۵۰ همت معادل ۸۸.۷ درصد به سرمایه در گردش اختصاص یافته است. به عبارت دیگر، بخش عمده تسهیلات بانکی، صرف تأمین نقدینگی و تداوم فعالیت واحدهای تولیدی شده است. در چنین شرایطی، افزایش نرخ سود بین بانکی و گران‌تر شدن منابع مالی بانک‌ها می‌تواند هزینه تأمین سرمایه در گردش را افزایش دهد و به بالا رفتن قیمت تمام‌شده تولید منجر شود؛ موضوعی که در نهایت فشار آن به مصرف‌کننده تحمیل خواهد شد.

گفت‌وگو

خضریان: چرا قوه قضائیه مانع اقاله قراردادهای یکسان نمی‌شود؟

عضو کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی با اشاره به اقاله صدها قرارداد یکسان در ماه‌های اخیر با کارشکنی برخی سردفتران اظهار کرد: پای خانه و سرمایه مردم در میان است. ممکن است یک خانواده تمام پس‌انداز خود را جمع کرده باشد تا خانه‌ای بخرد و بخش عمده پول را هم پرداخته باشد، اما حالا تعدادی سردفتر به او بگویند قرارداد را اقاله کند و دوباره از مسیر دیگری معامله را انجام دهد. اگر بعد از اقاله، فروشنده زیر قولش بزند و ملک را منتقل نکند، تکلیف پولی که خریدار پرداخته چه می‌شود؟ چه کسی پاسخگوی این خانواده خواهد بود؟

علی خضریان در گفت‌وگو با نوبنیاد، با اشاره به تبصره ۲ ماده ۳ قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول گفت: قانون‌گذار اجازه داده است مردم قراردادهای یکسان را از طریق سامانه ثبت کنند و برای این کار، از ابتدا مجبور نباشند به دفترخانه مراجعه کنند. اما در ماده ۱۵ آیین‌نامه، ادامه کار و رفع محدودیت قرارداد به مراجعه به دفترخانه وابسته شده‌است؛ یعنی مردم می‌توانند قراردادشان را در سامانه ثبت کنند، اما برای اینکه کارشان به نتیجه برسد، باید از گلوگاهی عبور کنند که کلید آن در اختیار دفترخانه‌هاست. نماینده تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس در مجلس افزود: طبق گزارش‌هایی که به ما رسیده، برخی دفترخانه‌ها در ماه‌های اخیر از رفع محدودیت قراردادهای یکسان خودداری کرده‌اند و به مردم گفته‌اند قرارداد را اقاله کنند و دوباره در دفترخانه قرارداد ببندند. سؤالم از قوه قضائیه این است که چرا چنین سازوکاری ایجاد کرده‌اید که مردم برای ادامه یک معامله قانونی به اقدام دفترخانه وابسته باشند، اما حالا که برخی دفترخانه‌ها همکاری نمی‌کنند، نمی‌توانید آن‌ها را به انجام این کار ملزم کنید؟ چرا باید مردم تاوان این وضعیت را بدهند؟ اگر قرار بوده این مسیر قانونی در اختیار مردم باشد، قوه قضائیه باید امکان استفاده از آن را هم فراهم کند، نه اینکه مردم را بین سامانه و دفترخانه سرگردان بگذارد.

وی ادامه داد: این ماجرا یک مسئله جدی دیگر هم دارد و آن، بحث انحصار و تعارض منافع است. قانون‌گذار خواسته است مردم برای ثبت قرارداد فقط یک راه پیش رو نداشته باشند و بتوانند از مسیر سامانه هم اقدام کنند. اما وقتی ادامه همین مسیر به همکاری دفترخانه‌ها وابسته می‌شود، عملاً اختیار بستن یا باز گذاشتن این راه در دست سردفتر قرار می‌گیرد. این وضعیت زمینه تعارض منافع و شکل‌گیری انحصار را فراهم می‌کند و قوه قضائیه باید درباره آن پاسخ بدهد. خضریان گفت: طبق اظهارات معاونان سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، دست‌کم ۷۰۰ قرارداد یکسان اقاله شده است. اگر میانگین ارزش هر معامله را ۱۰ میلیارد تومان در نظر بگیریم، با حدود ۷ هزار میلیارد تومان از معاملات مردم روبه‌رو هستیم. که این عدد به‌تنهایی نشان می‌دهد با چه مسئله بزرگی روبه‌رو هستیم. عضو کمیسیون اصل نود مجلس گفت: مسئولیت این موضوع در نهایت متوجه قوه قضائیه است. سازمان ثبت زیرمجموعه قوه قضائیه است و دفاتر اسناد رسمی هم در چارچوب نظارت این قوه فعالیت می‌کنند. نمی‌شود قوه قضائیه از یک طرف مسیر ثبت قرارداد را در سامانه فراهم کند و از طرف دیگر، ادامه کار را به دفترخانه‌ها بسپارد، اما وقتی برخی از آن‌ها از انجام این کار خودداری می‌کنند، پاسخ روشنی به مردم نداشته باشد.

خضریان تأکید کرد: از سازمان ثبت می‌خواهیم توضیح بدهد چرا با وجود گزارش این اتفاق‌ها، هنوز جلوی ادامه آن گرفته نشده است. در جلسه ۲۶ خرداد امسال کمیسیون اصل نود، رئیس سازمان ثبت صراحتاً وعده داد این مشکل را برطرف کند، اما با گذشت چندین ماه، همچنان شاهد تداوم این وضعیت هستیم. در شرایطی که دشمن تلاش می‌کند تاب‌آوری مردم را هدف قرار دهد، چرا باید با تصمیم‌ها و رویه‌های قابل اصلاح، مشکلات تازه‌ای برای مردم ایجاد کنیم؟ چرا باید مردم درگیر مسائلی شوند که دستگاه‌های مسئول خودشان می‌توانند و باید آن‌ها را برطرف کنند؟

آقای پزشکیان! مراقب تصویری که در دنیا می‌سازید باشید

پزشکیان پیش‌تر درباره وضعیت منابع آبی تهران گفته بود: «اگر تا آذرماه در تهران باران نبارد باید آب را جیره‌بندی کنیم؛ اگر بازهم نبارید باید تهران را خالی کنیم. اگر بازهم نبارد، دیگر آب نداریم و باید تهران را خالی کنیم.» این اظهارات در آبان ۱۴۰۴ بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های خارجی داشت و خبرگزاری‌هایی مانند آسوشیتدپرس و آناتولی به موضوع احتمال تخلیه پایتخت ایران پرداختند. چنین اظهاراتی، می‌تواند تصویری از شدت مشکلات و ناتوانی مدیریتی در فضای بین‌المللی نمایش دهد. اکنون نیز سخنان رئیس جمهور درباره خاموش کردن چراغ اتاق خود، می‌تواند به همان اندازه محل توجه رسانه‌های خارجی قرارگیرد و این خط خبری ارسال شود که کشورمان برای تأمین برق چراغ دفتر رئیس جمهور خود با مشکل مواجه و ناترازی انرژی تا سطح دفتر ریاست‌جمهوری نیز گسترش یافته است.

یادداشت

شکست بزرگ در آسمان آمریکا

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

آمریکا با یکی از کم‌سابقه‌ترین بحران‌های زیرساختی و حمل‌ونقل هوایی خود روبه‌رو شده است. بحرانی که در پی ازکارافتادن سامانه‌های ارتباطی کنترل ترافیک هوایی، به توقف سراسری پروازها، لغو هزاران برنامه پروازی، سرگردانی مسافران و انباشت هواپیماها در فرودگاه‌های این کشور منجر شد. این اختلال، طولانی‌ترین توقف سراسری پروازهای آمریکا از زمان حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تاکنون محسوب می‌شود. درحالی‌که مقام‌های واشنگتن از برطرف‌شدن مشکل اولیه خبر داده‌اند، گزارش رسانه‌های آمریکایی نشان می‌دهد بازگرداندن شبکه پروازی به وضعیت عادی ممکن است چند روز زمان ببرد؛ بحرانی که ضعف زیرساخت‌های فرسوده آمریکا را در معرض دید جهانیان قرار داده است.

سازمان هوانوردی فدرال آمریکا (FAA) روز جمعه ۱۳ نوامبر، در اقدامی فوق‌العاده، پروازهای خروجی از فرودگاه‌های سراسر این کشور را متوقف کرد. دستور توقف که به دلیل اختلال ارتباطی در مراکز کنترل ترافیک هوایی صادر شده بود، بیش از چند ساعت ادامه یافت و آثار آن به‌سرعت به بحرانی گسترده در شبکه حمل‌ونقل این کشور تبدیل شد.

خبرگزاری رویترز گزارش داد نزدیک به ۱۰ هزار پرواز لغو شده است. از جمله بیش از ۲۲۰۰ پرواز داخلی و بیش از ۲۲۰۰ پرواز امریکن ایرلاینز و حدود ۱۸۰۰ پرواز یونایتد. در برخی فرودگاه‌های بزرگ، هواپیماها حتی پس از فرود بیش از پنج ساعت برای دسترسی به محل توقف انتظار کشیدند.

پیت مونتین، تحلیلگر هوانوردی شبکه سی‌ان‌ان، در گفت‌وگو با این برنت وضعیت شبکه هوایی آمریکا را بحرانی توصیف کرد و هشدار داد برخی فرودگاه‌ها به مرحله اشباع زمینی رسیده‌اند. وضعیتی که در آن باندهای حرکت و محوطه‌های توقف مملو از هواپیما شده و دیگر فضایی برای جابه‌جایی آنها وجود ندارد. وی تأکید کرد تعداد زیادی هواپیما، خلبان و خدمه پرواز در مکان‌های نامناسب گرفتار شده‌اند و شرکت‌های هواپیمایی عملاً قادر به جبران عقب‌ماندگی پروازها نیستند.

ابعاد بحران به روز شنبه نیز کشیده شد. طبق تازه‌ترین گزارش واشنگتن پست، بیش از ۳۲۰۰ پرواز دیگر در روز ۱۴ نوامبر لغو شد. اختلال در فرودگاه‌های شیکاگو، آتلانتا، دالاس، نیویورک، دنور و لس‌آنجلس شدت بیشتری داشت. صدها هواپیما به فرودگاه‌های مبدأ بازگشتند یا به مقاصد جایگزین هدایت شدند. دامنه بحران حتی از مرزهای آمریکا فراتر رفت و بر پروازهای بین‌المللی نیز تأثیر گذاشت.

شان دافی، وزیر حمل‌ونقل آمریکا، اذعان کرد تجهیزات قدیمی و روترهای شبکه در جریان ارتقای سامانه‌ها با بار اضافی مواجه شده و ارتباطات کنترل پرواز مختل شده است. او حتی نتوانست تضمین دهد چنین بحرانی مجدداً تکرار نخواهد شد. به‌این‌ترتیب، کشوری که سالانه میلیاردها دلار برای توسعه قدرت نظامی خود هزینه می‌کند، اکنون برای بازسازی زیرساخت‌های فرسوده کنترل آسمانش به ده‌ها میلیارد دلار اعتبار تازه نیاز دارد.

بین الملل

پهپادهای مشکوک بر فراز پایگاه «لاکن‌هیث» بریتانیا



نیروهای آمریکایی اعلام کردند که شامگاه جمعه، در پی شناسایی فعالیت غیرمجاز و مشکوک به حضور پهپادها بر فراز پایگاه لاکن‌هیث متعلق به نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا، وارد عمل شده‌اند. در این حادثه هیچ‌گونه تلفات جانی یا خسارتی به هواپیماها و زیرساخت‌های پایگاه گزارش نشده است.

در ادامه این مطلب آمده: سخنگوی نیروی هوایی آمریکا اعلام کرد که نیروهای این کشور همچنان با طرف بریتانیایی همکاری می‌کنند تا امنیت نظامیان، غیرنظامیان و پیمانکاران مستقر در این پایگاه تضمین شود. از سوی دیگر، وزارت دفاع بریتانیا اعلام کرد که نیروهای امنیتی نیروی هوایی آمریکا به این گزارش رسیدگی کرده‌اند و وضعیت پایان یافته است. این وزارتخانه همچنین تأکید کرد که برای مشخص شدن ابعاد و جزئیات حادثه با طرف آمریکایی همکاری می‌کند. این حادثه در شرایطی رخ می‌دهد که آمریکا طی هفته‌های گذشته بمب‌افکن‌هایی را که در بریتانیا مستقر بودند و برای انجام حملات علیه ایران از آن‌ها استفاده می‌شد، از این کشور خارج کرده است. همچنین هواپیماهای سوخت‌رسان آمریکا از بریتانیا به آلمان منتقل شده‌اند؛ تحرکاتی که برخی گزارش‌ها آن‌ها را با تهدیدهای ایران مرتبط دانسته‌اند.

پیش‌تر نیز بمب‌افکن‌های آمریکایی به دلایل امنیتی پایگاه هوایی فرفورد در بریتانیا را ترک کرده بودند؛ این اقدام پس از حادثه‌ای صورت گرفت که طی آن، گروهی از مردان با چند خودروی ون در شب ۲۷ سپتامبر گذشته به این پایگاه نزدیک شده بودند.

سکوت و انفعال قدرت‌ها در برابر فاجعه انسانی در فلسطین اشغالی ادامه دارد

غزه در محاصره مرگ تدریجی

بارندگی‌های شدید ماه اخیر در نوار غزه، وضعیت آوارگان فلسطینی را در آستانه زمستان پیچیده‌تر کرده است. بر اساس برآوردهای سازمان ملل، سیلاب به ده‌ها هزار سرپناه آسیب زده و هزاران خانوار را با کمبود امکانات اولیه مواجه کرده است. تخریب گسترده زیرساخت‌های شهری و درمانی در جریان بیش از سه سال عملیات نظامی رژیم صهیونیستی، همراه با محدودیت غیر انسانی رژیم برای ورود تجهیزات امدادی، روند اسکان و کمک‌رسانی را مختل کرده است. هم‌زمان نیز برخی مقام‌های اسرائیلی درباره خروج فلسطینیان از غزه و واکنش محدود دولت‌های منطقه، پرسش‌هایی درباره مسئولیت‌پذیری بین‌المللی ایجاد کرده است.



احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

تصاویر منتشرشده از نوار غزه در روزهای گذشته، تنها گوشه‌ای از فاجعه‌ای را نشان می‌دهد که بیش از دو میلیون فلسطینی با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. با بمباران بیش از ۹۰ درصد نوار غزه توسط رژیم صهیونیستی، اکثر مردم فلسطین بی‌پناه مانده‌اند و در شرایط سختی زندگی می‌کنند. خانواده‌هایی که پس از سه سال جنگ، حتی از داشتن چادری سالم برای گذراندن زمستان محروم مانده‌اند.

بارندگی موجب فروریختن ساختمان‌های آسیب‌دیده، تخریب تأسیسات بهداشتی و اختلال در فعالیت مراکز درمانی شده است. حتی گزارش‌هایی از جان باختن کودکان براثر غرق‌شدن و ریزش توده‌های شن بر چادرهای آوارگان منتشرشده است.

در بیش از سه سال گذشته، حملات گسترده رژیم اشغالگر بخش عظیمی از مناطق مسکونی، بیمارستان‌ها، مدارس و زیرساخت‌های شهری غزه را ویران کرده است. در چنین شرایطی، اظهارات صریح برخی مقامات اسرائیلی درباره خروج فلسطینیان از این باریکه، نگرانی‌ها درباره تلاش برای اخراج جمعیت غزه را افزایش داده است.

اسموتریچ، وزیر دارایی رژیم صهیونیستی، آشکارا از اشغال غزه و تشویق فلسطینیان به مهاجرت سخن گفت و مدعی شد می‌توان شرایطی ایجاد کرد که جمعیت این باریکه ظرف دو سال به کمتر از نصف کاهش یابد. بن‌گویر، وزیر امنیت ملی رژیم نیز بارها خواستار بازگشت شهرک‌نشینان اسرائیلی به غزه شد و خروج فلسطینیان را راه‌حلی مطلوب معرفی کرد.

این اظهارات دیگر صرفاً مواضعی پراکنده در حاشیه سیاست اسرائیل نیست بلکه از سوی چهره‌هایی مطرح شده که در عالی‌ترین سطوح این رژیم حضور دارند.

در کنار بحران سرپناه، وضعیت غذا و دارو نیز بحرانی است. برآوردهای سازمان ملل نشان می‌دهد بیش از یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر در غزه طی نیمه دوم سال ۲۰۲۶ با سطوح بحرانی یا شدیدتر ناامنی غذایی مواجه بوده‌اند.

در بخش درمان نیز کمبودها گسترده است. حدود ۴۲ درصد اقلام دارویی در ماه اکتبر با موجودی صفر روبه‌رو بوده‌اند و بسیاری از خدمات تخصصی درمانی همچنان به‌شدت محدود هستند.

در چنین شرایطی، ورود تجهیزات گرمایشی، چادرهای مقاوم، پتو، دارو و تجهیزات تخلیه آب به ضرورتی فوری تبدیل شده است. بااین حال، بیش از ۱۵۰ هزار چادر امدادی در خارج از غزه آماده ارسال مانده و محدودیت‌های اسرائیل در ورود اقلام ضروری همچنان مانع امدادرسانی گسترده است. مردم غزه امروز تنها به دنبال نجات از بمباران نیستند؛ آنان برای داشتن یک سقف، یک وعده غذای کافی و یک شب خوابیدن بدون ترس از سرما و سیلاب مبارزه می‌کنند.

در شرایطی که کودکان فلسطینی در چادرهای فرسوده با سرما و گرسنگی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، امارات متحده عربی در سپتامبر ۲۰۲۶ میزبان بنیامین نتانیاهو بود. نخست‌وزیر اسرائیل در ابوظبی با محمد بن زاید، رئیس امارات، دیدار کرد و دو طرف درباره تقویت مناسبات دوجانبه گفت‌وگو کردند.

عربستان و شماری از کشورهای عربی نیز در بیانیه‌های مشترک، طرح‌های کوچاندن فلسطینیان و محدودیت‌های کمک‌رسانی را محکوم کرده‌اند اما در پس پرده روابط خود را با رژیم ادامه می‌دهند.

از طرفی دیگر، فاجعه غزه بار دیگر مسئله کارآمدی سازوکارهای حقوق بین‌الملل را به میان آورده است.

دیوان بین‌المللی دادگستری پیش‌تر در چند دستور الزام‌آور، بر ضرورت تأمین کمک‌های انسانی، حمایت از غیرنظامیان و رعایت تعهدات بین‌المللی تأکید کرده بود. بااین حال، گزارش‌های تازه سازمان ملل نشان می‌دهد محدودیت‌های ورود اقلام حیاتی همچنان ادامه دارد.

حقوق بین‌الملل زمانی معنا پیدا می‌کند که نقض آن برای طرف متخلف هزینه واقعی به همراه داشته باشد. نه آنکه صرفاً به مجموعه‌ای از اسناد، بیانیه‌ها و هشدارهای بی‌ضمانت تبدیل شود.

در این میان، نقش آمریکا را نمی‌توان نادیده گرفت. واشنگتن در سال‌های گذشته با تداوم حمایت‌های سیاسی و نظامی از اسرائیل و استفاده از حق وتو در شورای امنیت، بارها مانع تصویب قطعنامه‌های مورد حمایت اکثریت اعضای شورا شده است.

از جمله در سپتامبر ۲۰۲۵، آمریکا قطعنامه‌ای را که خواستار آتش‌بس فوری و رفع محدودیت‌های کمک‌رسانی بود، با وجود حمایت ۱۴ عضو دیگر شورای امنیت وتو کرد. حال برخی در داخل کشور از بزرگ‌ترین حامی رژیم صهیونیستی و حامی نسل‌کشی در نوار غزه، توقع مذاکره عقلانی و حتی اجرای تعهدات این کشور در قبال ایران را دارند! کشوری که از ابتدایی‌ترین اصول انسانی به دور است.

باران غزه تنها چادرهای آوارگان را با خود نبرده است بلکه بار دیگر پرده از شکاف عمیق میان ادعاهای حقوق بشری قدرت‌های جهانی و واقعیت زندگی مردم فلسطین کنار زده است.

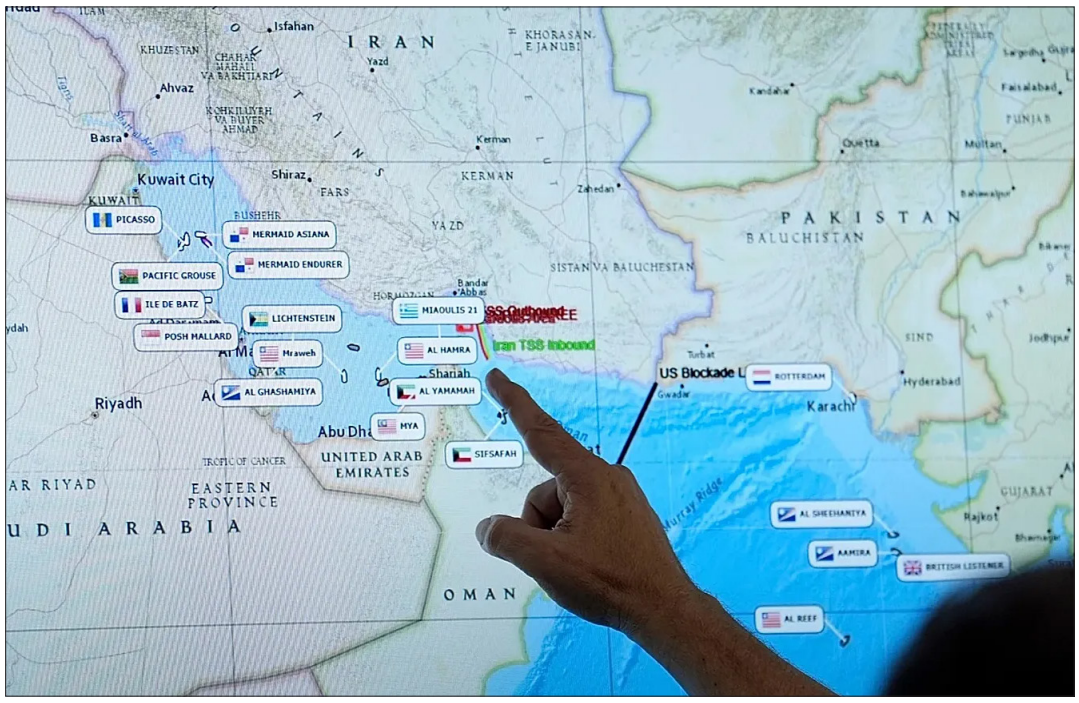
آمریکا پشت جنایات غزه

در این میان، نقش آمریکا را نمی‌توان نادیده گرفت. واشنگتن در سال‌های گذشته با تداوم حمایت‌های سیاسی و نظامی از اسرائیل و استفاده از حق وتو در شورای امنیت، بارها مانع تصویب قطعنامه‌های مورد حمایت اکثریت اعضای شورا شده است. حال برخی در داخل کشور از بزرگ‌ترین حامی رژیم صهیونیستی و حامی نسل‌کشی در نوار غزه، توقع مذاکره عقلانی و حتی اجرای تعهدات این کشور در قبال ایران را دارند! کشوری که از ابتدایی‌ترین اصول انسانی به دور است.

هر دو حزب در واشنگتن علاوه بر فشار اقتصادی، برسوء مدیریت دولت پزشکیان نیز حساب باز کرده‌اند

محاصره؛ فصل مشترک کاخ سفید و دموکرات‌ها

اظهارات اخیر وزیر خارجه آمریکا در کنار توصیه‌های ۸ ماه پیش نفیو و مقاله اخیر پترائوس نشان می‌دهد راهبرد واشنگتن در قبال ایران، از دموکرات تا دولت جمهوری‌خواه ترامپ، بر یک نقطه مشترک استوار شده است: حفظ محاصره دریایی، تشدید فشار اقتصادی و استفاده از ضعف‌های مدیریتی دولت برای فرسایش توان داخلی ایران؛ راهبردی که در کنار تهدید نظامی، به دنبال گرفتارکردن کشور در وضعیت نه جنگ و نه صلح و فراهم کردن زمینه فشار از درون است.



محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

ریچارد نفیو، معمار تحریم‌های ایران در دولت باراک اوباما، فروردین ۱۴۰۵، در مقاله‌ای مهم توصیه‌هایی را برای به زانو درآوردن ایران به ترامپ ارائه کرد. پیشنهاد محوری او، قرار دادن ایران در «منطقه خاکستری» بود؛ وضعیتی میان جنگ و صلح که در آن، فشار مستمر، ضربات فرسایشی و مهار تدریجی جایگزین پایان واقعی تقابل می‌شوند.

نفیو صراحتاً توصیه می‌کرد واشنگتن به دنبال توافق جامع نباشد و با حفظ فشار حداکثری، صرفاً به توافقی محدود برای باز نگه داشتن تنگه هرمز رضایت دهد. این توصیه به خوبی اهمیت راهبردی هرمز را نشان می‌دهد؛ اهرمی که ایران می‌تواند از آن برای شکستن محاصره اقتصادی و دریایی استفاده کند و حتی طراحان فشار آمریکایی نیز به تعیین کنندگی آن اذعان دارند.

نفیو همزمان روی نقطه ضعف دیگری دست گذاشت: سوء مدیریت اقتصادی و ناتوانی دولت در اداره کشور. او با طرح دوگانه «تفنگ یا کره» تلاش کرد این تصور را القا کند که ایران ناچار است میان قدرت نظامی و رفاه اجتماعی یکی را انتخاب کند. در این نگاه، فشار اقتصادی مکمل جنگ نظامی است؛ ابزاری برای ناتوان‌سازی کشور در تأمین همزمان امنیت و معیشت. برجسته‌سازی برخی اظهارات متناقض داخلی و القای شکاف میان دولت و حاکمیت نیز بخش دیگری از همین عملیات روانی است؛ تحلیلی که مواضع ناپخته برخی مسئولان داخلی به آن خوراک می‌دهد.

اجماع سیاسی واشنگتن برای محاصره

اکنون، پس از قریب به هشت ماه، تفاوتی ندارد طراح یا حامی نسخه فشار در واشنگتن دموکرات باشد یا جمهوری‌خواه؛ ظاهراً محاصره دریایی به مذاق هر دو حزب خوش آمده است. دیوید پترائوس، رئیس پیشین سیا و فرمانده پیشین سنتکام در زمان باراک اوباما، در مقاله‌ای در وال استریت ژورنال، همین راهبرد را با صراحت بیشتری صورت‌بندی کرده است.

پترائوس تأکید می‌کند مسئله فقط پایان جنگ با ایران نیست، بلکه چگونگی پایان آن اهمیت دارد. از نگاه او، توافقی که به ایران اجازه احیای درآمدهای نفتی و تجارت دریایی، حفظ ذخایر اورانیوم غنی‌شده و ادامه تهدید تنگه هرمز را بدهد، منافع آمریکا را تأمین نمی‌کند. وی سه هدف را برای واشنگتن تعیین می‌کند: برقراری آزادی کشتیرانی در خلیج فارس و تنگه هرمز، تعیین تکلیف اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد و اعمال محدودیت‌های کامل قابل اجرا و راستی‌آزمایی بر غنی‌سازی.

او مدعی است تحقق این اهداف به تغییر نظام سیاسی ایران، اشغال نظامی یا ادامه نامحدود جنگ نیاز ندارد، اما این سه مورد را حداقل الزامات توافق پایدار می‌داند. پترائوس همچنین خواستار اعلام کامل ذخایر اورانیوم، ازسرگیری بازرسی‌ها، خروج یا رقیق‌سازی مواد تحت نظارت و محدودیت بر تعداد سانتریفیوژهای پیشرفته است.

اما بخش تعیین‌کننده مقاله او، تأکید بر حفظ محاصره دریایی است. پترائوس با اشاره به صادرات روزانه ۱.۵ تا ۲ میلیون بشکه نفت ایران پیش از آغاز محاصره در اواسط آوریل، مدعی است این فشار صادرات نفت و تجارت دریایی کشور را به‌شدت محدود کرده و باید تا پذیرش توافقی قابل راستی‌آزمایی ادامه یابد. او همزمان خواستار تقویت حفاظت دریایی، پاک‌سازی مین‌ها، احیای پوشش بیمه کشتی‌ها و استفاده از مسیرهای جایگزین فجیره و ینبع برای صادرات انرژی کشورهای عربی شده است تا فشار بر ایران حفظ شود، اما بازار جهانی انرژی از اختلال گسترده آسیب نبیند.

پترائوس این وضعیت را رقابت میان «ساعت تهران» و «ساعت واشنگتن» توصیف می‌کند؛ ساعتی که در تهران میزان تحمل کاهش درآمدهای نفتی، محدودیت تجارت و فشار نظامی را می‌سنجد و در واشنگتن میزان تحمل افکار عمومی در برابر گرانی انرژی و هزینه‌های تقابل را. به بیان روشن‌تر، نسخه او این است که زمان برای ایران پرهزینه‌تر و برای آمریکا قابل تحمل‌تر شود.

سومدیریت دولت تنها امید دشمن

اظهارات اخیر وزیر خارجه آمریکا نیز مکمل همین تصویر است. روبیو با تأکید بر آمادگی واشنگتن برای توافق، مدعی شده تحریم‌های اقتصادی و محاصره دریایی چنان مؤثر بوده‌اند که دیگر نیازی به عملیات نظامی گسترده در ایران نیست. این اظهارات نشان می‌دهد آمریکا محاصره را نه یک ابزار موقت، بلکه اهرمی برای تحمیل خواسته‌های حداکثری خود می‌داند و مذاکره را نیز در امتداد همین فشار تعریف می‌کند.

اما مسئله نگران‌کننده، فراهم شدن بخشی از زمینه این راهبرد در داخل کشور است. قرار گرفتن ایران در منطقه خاکستری، با آتش‌بس مبهم و سپس تفاهم اسلام‌آباد، در شرایطی رقم خورد که دشمن از استمرار وضعیت بلاتکلیف و فرسایشی سود می‌برد. در کنار آن، سوءمدیریت دولت پزشکیان به فرصتی مضاعف برای تشدید فشار خارجی تبدیل شده است.

عملکرد دولت در شرایط جنگی، با حضور برخی وزرا، مشاوران و مسئولان ناکارآمد و ناآشنا با الزامات اداره کشور در موقعیت بحران، هزینه‌های سنگینی بر جامعه تحمیل کرده است؛ وضعیتی که حتی با دشواری‌های دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و شهریور ۱۳۲۰ نیز قابل مقایسه نیست. حذف ارز ترجیحی در دی ۱۴۰۴، یکی از بسترهای افزایش نارضایتی و سپس سوءاستفاده دشمنان در ایجاد کودتای دی‌ماه شد. اکنون نیز حضور افراد نابلد با سوابق دانشگاهی و اجرایی مبهم و چالش‌زا، در کنار مواضع نسنجیده معاونان پرحاشیه‌ای مانند قائم‌پناه و مهاجرانی سخنگوی دولت، به افزایش خشم عمومی دامن زده است.

در چنین شرایطی، نهادهای نظارتی و در رأس آنها مجلس نمی‌توانند نظاره‌گر استمرار این وضعیت باشند. مجلس باید با ورود قاطع، روند ناکارآمدی را متوقف کند و در صورت همراهی نکردن رئیس جمهور با اصلاحات ضروری، مقدمات قانونی عدم کفایت سیاسی وی را فراهم آورد. پازل واشنگتن روشن است، محاصره، فشار اقتصادی، مذاکره محدود، امید بستن به نارضایتی داخلی و نگه داشتن چماق نظامی بالای سر ایران. هدف این راهبرد اصلاح رفتار ایران نیست؛ فرسایش توان ملی و فراهم کردن زمینه فروپاشی از درون است. خطر اصلی آنجاست که ناکارآمدی داخلی، به جای آنکه مانعی در برابر این نقشه باشد، به یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق آن تبدیل شود.

امید دو حزبی به سو مدیریت در ایران

آنچه در این روزها از زبان مقام‌های آمریکایی درباره ایران شنیده می‌شود، دیگر صرفاً تهدید نظامی یا دعوت به مذاکره نیست؛ بلکه از شکل‌گیری یک راهبرد چندلایه برای فرسایش کشور حکایت دارد. راهبردی که در آن محاصره دریایی، تحریم اقتصادی، تهدید نظامی و امید بستن به نارضایتی داخلی، اجزای یک پازل واحد هستند و از سوی هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه پشتیبانی می‌شود.

یادداشت

پیمان امنیتی بدون ایران، پیمان علیه امنیت منطقه

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، نقطه عطفی در ترتیبات امنیتی خاورمیانه و خلیج فارس رقم زده است. شکست پروژه به زانو درآوردن و نابودی ایران، ضربات سنگین به پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه و اعمال حاکمیت ایران بر تنگه هرمز، معادلاتی را برهم زده که دهه‌ها بر حضور نظامی واشنگتن و امنیت عاریتی و سرسپردگی کشورهای عربی استوار بود. اکنون منطقه با واقعیتی تازه مواجه است: آمریکا دیگر آن ضامن امنیتی شکست‌ناپذیر نیست و بازیگران منطقه‌ای برای بازتعریف مناسبات دفاعی خود به تکاپو افتاده‌اند.

یکی از نشانه‌های این تحول، شکل‌گیری پیمان‌های دفاعی جدید و تلاش برای جایگزینی ترتیبات امنیتی مستقل به جای چتر حفاظتی آمریکاست. توافق مکه میان ترکیه، عربستان و پاکستان و همچنین توافق دفاعی آنکارا و دوحه، در همین چارچوب قابل ارزیابی است. البته این پیمان‌ها صرفاً محصول نگرانی از رفتار آمریکا نیستند؛ بلکه در لایه‌های پنهان خود، رقابت‌های منطقه‌ای و محاسبات ضدایرانی را نیز دنبال می‌کنند. به‌ویژه توافق میان دو حکومت نزدیک به جریان اخوانی در ترکیه و قطر که می‌تواند به بستری برای شکل‌گیری یک محور امنیتی جدید تبدیل شود.

این توافق در جریان دوازدهمین نشست کمیته عالی راهبردی ترکیه و قطر به امضای شخص رجب طیب اردوغان و شیخ تمیم بن حمد آل ثانی رسید. بر اساس بیانیه مشترک، دو طرف بر تقویت دفاع جمعی، ارتقای امنیت منطقه‌ای، اتخاذ موضع واحد در برابر حمله مسلحانه خارجی، مشورت درباره تهدیدات امنیتی و گسترش مانورهای مشترک، همکاری دفاعی و تبادل آموزش نظامی تأکید کرده‌اند. هرچند جزئیات تعهدات عملیاتی و نحوه پاسخ مشترک همچنان منتشر نشده و این سند را نمی‌توان معادل یک پیمان دفاعی خودکار مانند ماده پنج ناتو دانست، اما نفس چنین توافقی نشان‌دهنده تغییر آرایش امنیتی منطقه است.

با این حال، یک واقعیت اساسی را نمی‌توان دور زد: هیچ معماری امنیتی در خلیج فارس و غرب آسیا بدون مشارکت همه کشورهای منطقه و پذیرش حق حاکمیت و امنیت متقابل آنها دوام نخواهد آورد. نسخه‌ای که برخی دولت‌های عربی همچنان دنبال می‌کنند، یعنی تداوم خصومت با ایران به جای گشودن مسیر دوستی و همکاری، نه‌تنها امنیت‌ساز نیست، بلکه بازتولید همان حماقت راهبردی گذشته است. پیمانی که در آن حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای، دخالت نظامی بیگانگان و استفاده از خاک کشورهای منطقه برای حمله به همسایگان ممنوع نشده باشد، از اساس فاقد بنیان امنیتی است. همان‌گونه که آمریکا از امکانات کشورهای عربی برای تجاوز به ایران استفاده کرد، هر توافقی که این امکان را باز بگذارد، چیزی جز بازتولید ناامنی نخواهد بود.

در این میان، ضعف آشکار وزارت امور خارجه و به‌ویژه دستگاه دیپلماسی تحت مدیریت عراقچی نیز قابل چشم‌پوشی نیست. در شرایطی که دیگران در حال طراحی ترتیبات دفاعی و ائتلاف‌های منطقه‌ای هستند، ابتکار مؤثر و راهبردی از سوی تهران دیده نمی‌شود. تکرار شعارهای کلی درباره امنیت منطقه‌ای و همکاری همسایگان، جایگزین دیپلماسی فعال، پیمان‌سازی و طراحی سازوکارهای الزام‌آور نمی‌شود.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیرمسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۸۸۴۹۹۳۷۲-۰۲۱
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵
■ آدرس: خ سپهبد قرنی خ شاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

nobonyadonline.ir

یادداشت

علامه طباطبایی؛ احیاگر حکمت اسلامی در روزگار تجدد

وحید ناظری
روزنامه‌نگار

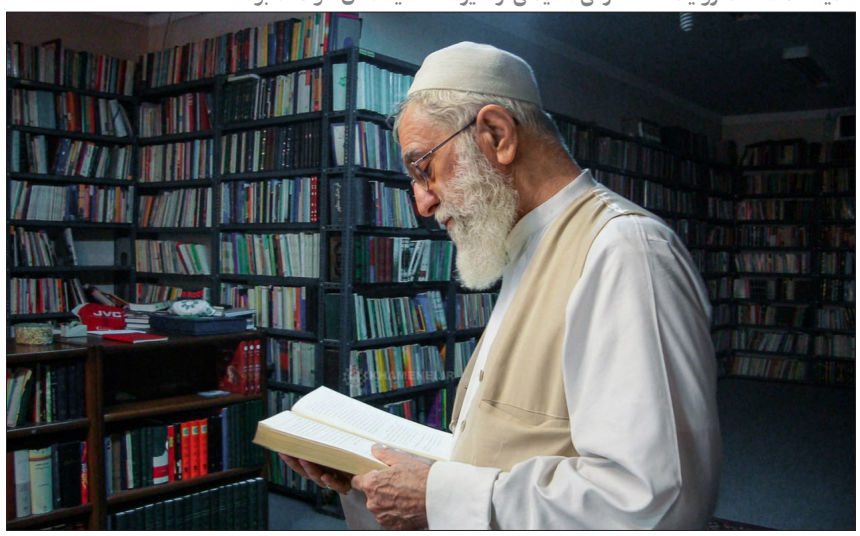
امروز ۲۴ آبان، سالروز رحلت آیت‌الله سید محمد حسین طباطبایی است. روزی که در تقویم رسمی کشور به نام بزرگداشت این مفسر و فیلسوف برجسته نام‌گذاری شده است. بزرگداشت علامه طباطبایی، علاوه بر تجلیل از یک عالم دینی یا مفسر قرآن، روز پاسداشت اندیشمندی است که در دوران معاصر، سهم مهمی در احیای فلسفه اسلامی و گشودن افق‌های نو در فهم معارف قرآنی داشت. او در روزگاری که اندیشه‌های ماتریالیستی و مکاتب فلسفی جدید، پرسش‌های جدیدی پیش روی فلسفه اسلام قرار داده بودند، کوشید با تکیه بر میراث فلسفی اسلامی و ظرفیت عقل، پاسخی عمیق و مستدل به این پرسش‌ها ارائه دهد. بدون شک مهم‌ترین اثر علمی ایشان، «المیزان فی تفسیر القرآن» است. مجموعه‌ای بیست جلدی که فراتر از یک تفسیر معمولی، شیوه‌ای نو و بکر برای فهم و تبیین آیات قرآن ارائه کرد. روش اصلی ایشان در این اثر، «تفسیر قرآن به قرآن» بود. یعنی برای فهم دقیق‌تر هر آیه، از آیات دیگر قرآن کمک گرفته شود و مفاهیم در پیوند با یکدیگر مورد بررسی قرار گیرند. علامه با این روش نشان داد که قرآن منظومه‌ای منسجم از معارف است که اجزای آن یکدیگر را تبیین می‌کنند و نه مجموعه‌ای از گزاره‌های پراکنده. اهمیت المیزان در همین نگاه جامع است که از مباحث اعتقادی و اخلاقی تا مسائل اجتماعی و تاریخی را دربرمی‌گیرد. اما جایگاه آیت‌الله طباطبایی تنها به تفسیر قرآن محدود نمی‌شود. ایشان در فلسفه اسلامی نیز صاحب‌نظر بود. کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم»، که با شرح و توضیحات شهید مرتضی مطهری منتشر شد، تلاشی مهم برای تبیین مبانی فلسفه اسلامی و پاسخ‌گویی به دیدگاه‌های ماتریالیستی بود. علامه در این اثر به سراغ پرسش‌های بنیادینی درباره متافیزیک، یعنی شناخت، واقعیت و نسبت ذهن انسان با جهان پیرامون رفت و نشان داد که اختلاف مکاتب فلسفی، پیش از هر چیز، به تفاوت آنها در فهم حقیقت و شناخت واقعیت بازمی‌گردد. نظریه «ادراکات اعتباری» نیز از دیگر مباحث مهم اندیشه اوست که در آن، تفاوت میان واقعیت‌های خارجی و مفاهیمی که انسان برای سامان دادن به زندگی فردی و اجتماعی خود می‌سازد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. این نظریه ظرفیت‌های مهمی برای فهم مباحث اخلاقی، اجتماعی و فلسفه عمل در اختیار اندیشه اسلامی قرار داد.

از دیگر وجوه برجسته شخصیت علمی علامه، گفت‌وگوهای فلسفی او با هانری کربن، فیلسوف و اسلام‌شناس فرانسوی، است. این دیدارها فرصتی برای معرفی فلسفه شیعی، حکمت اسلامی و سنت عرفانی مسلمانان به محافل فکری غرب فراهم کرد. اهمیت این گفت‌وگوها در آن بود که علامه از موضع یک متفکر مستقل وارد بحث می‌شد و بدون فاصله گرفتن از مبانی فکری خود، درباره مسائل بنیادین فلسفه و معنویت با یکی از نمایندگان برجسته تفکر غربی به گفت‌وگو می‌نشست. میراث علامه البته در کتاب‌های او خلاصه نمی‌شود. تربیت شاگردانی چون شهید مرتضی مطهری و تأثیرگذاری بر نسل‌های بعدی اندیشمندان حوزه و دانشگاه، بخشی جدایی ناپذیر از کارنامه علمی اوست. او توانست جریانی فکری پدید آورد که در آن فلسفه، قرآن و معارف اسلامی در پیوندی عمیق با یکدیگر قرار می‌گرفتند. علامه طباطبایی از جمله اندیشمندانی بود که نشان داد سنت اسلامی ظرفیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های هر دوره را در خود دارد. پیوند عقل، برهان و وحی در اندیشه او، تصویری از تفکر دینی ارائه می‌کند که نه از پرسش‌های زمانه گریزان است و نه در برابر مکاتب فکری دیگر احساس ضعف می‌کند. از این منظر، نام علامه طباطبایی یادآور دوره‌ای مهم در تاریخ اندیشه اسلامی است که در آن، حکمت و معرفت دینی با تلاش یک متفکر برجسته، جانی دوباره گرفتند.

نگاهی به گنجینه ادبی و فکری رهبر شهید انقلاب به مناسبت هفته کتاب

از «روایت» آقا تا «رو به پایان»

هفته کتاب فرصتی ارزشمند برای بازخوانی میراث فکری و فرهنگی انقلاب اسلامی است. در این میان، آثار رهبر انقلاب جایگاهی ویژه دارند و خوانندگان را با اندیشه‌ای عمیق و راهبردی آشنا می‌کنند. از جمله مهم‌ترین این آثار می‌توان به کتاب‌های «روایت آقا»، «گنجینه بی‌پایان» و «رو به پایان» اشاره کرد. این سه اثر، هرکدام پنجره‌ای رو به دریای بیکران معارف اسلامی و تجارب زیسته یک عمر مجاهدت و اندیشه هستند. روایت آقا خاطراتی شنیدنی از سیره عملی و اخلاقی رهبر انقلاب را بازگو می‌کند. گنجینه بی‌پایان نگاهی نو و بیدارگرانه به جایگاه نهج‌البلاغه در زندگی فردی و اجتماعی دارد. رو به پایان نیز در باب تحلیل ماهیت صهیونیسم و فرزند نامشروع، اما خلف آن، یعنی رژیم صهیونیستی است. بررسی این آثار در هفته کتاب، گامی است برای پیوند نسل امروز با چشمه‌های زلال معرفت و هدایت؛ این آثار مسیر روشن آینده را ترسیم می‌کنند و چراغ راه آیندگان خواهند بود.



وحید ناظری
روزنامه‌نگار

مطالعه آثار رهبر انقلاب اسلامی، فراتر از یک فعالیت فرهنگی ساده است و دریچه‌ای را به سوی شناخت دقیق‌تر مبانی فکری و عملی نظام مقدس جمهوری اسلامی می‌گشاید. در هفته کتاب، توجه به سه اثر شاخص یعنی روایت آقا، بعثت امت و گنجینه بی‌پایان و رو به پایان، ضرورتی انکارناپذیر است. این کتاب‌ها با زبانی شیوا و محتوایی غنی، نیازهای عمیق روحی و فکری مخاطب معاصر را پاسخ می‌دهند و او را با ابعاد پنهان و آشکار یک زندگی سرشار از ایثار و معرفت آشنا می‌سازند.

کتاب روایت آقا، مجموعه‌ای از خاطرات و روایت‌های دست‌اول است که تصویری روشن و بی‌پیرایه از سیره فردی، خانوادگی و اجتماعی رهبر انقلاب ارائه می‌دهد. این اثر نشان می‌دهد که چگونه یک انسان در اوج مسئولیت‌های سنگین، سادگی، تواضع و ارتباط عمیق با خداوند را حفظ می‌کند. خواننده با مطالعه این صفحات، با جنبه‌های کمتر شناخته‌شده‌ای از زندگی ایشان مواجه می‌شود که الگویی بی‌نظیر برای جوانان و مدیران جامعه است. روایت آقا ثابت می‌کند که رهبری واقعی، پیش از آنکه مبتنی بر قدرت باشد، بر پایه اخلاق و مردم‌داری استوار است و این کتاب، آینه‌ای تمام‌نما از این حقیقت انکارناپذیر محسوب می‌شود.

در سوی دیگر، کتاب گنجینه بی‌پایان قرار دارد. رهبر شهید انقلاب، از دوران جوانی با کتاب شریف نهج‌البلاغه انس داشته و از گذشته به شرح خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های آن در محافل مختلف خصوصا در حضور جوانان طلبه و دانشجو پرداخته‌اند. ایشان همواره بر اهمیت انس با این کتاب شریف و تعمیق و گسترش معارف آن در جامعه تأکید نموده‌اند؛ تا آنجا که در خلال یکی از جلسات شرح نهج‌البلاغه این گوهر ارزنده را به عنوان آیین‌نامه‌ی انقلاب اسلامی معرّفی نموده‌اند. این کتاب، دربرگیرنده‌ی شش گفتار از بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) میباشد، که به طور مشخص به مسئله‌ی شناخت و بررسی جایگاه، اهمیت و ویژگی‌های نهج‌البلاغه پرداخته است.

کتاب رو به پایان، مجموعه‌ای جامع از بیانات و تحلیل‌های مقام معظم رهبری، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، درباره‌ی ماهیت صهیونیسم و رژیم صهیونیستی است این کتاب نسخه‌ی بازبینی شده و تکمیل شده‌ی کتاب «توهم سلطه» است، با مطالعه‌ی دقیق و گردآوری تمام گفتارها و نوشتارهای مرتبط با موضوع از سال ۱۳۴۸ تا به امروز، یک سیر تاریخی و تحلیلی کامل از دیدگاه‌های ایشان را ارائه می‌دهد و محدود به دوران پس از رهبری نیست. تمایز این اثر نسبت به آثار مشابه، جامعیت در گردآوری بیانات و نیز دسته‌بندی موضوعی بر محور صهیونیسم (و نه صرفا فلسطین) است.

در نهایت، خوانش این سه اثر در هفته کتاب، فرصتی مغتنم برای تجدید پیمان با آرمان‌های والای انقلاب و تعمیق باورهای دینی است. این کتاب‌ها نه تنها افق‌های تازه‌ای را پیش روی خوانندگان می‌گشایند، بلکه راهکارهای عملی برای ساختن آینده‌ای روشن و مبتنی بر معارف اصیل اسلامی را نیز در اختیار نسل جوان قرار می‌دهند تا با تکیه بر این میراث گران‌بها، مسیر پیشرفت و تعالی را با قدرت و اطمینان بیشتری طی کنند.

یادداشت

هفته کتاب در یک سیاره دیگر!

مسعود صفری
روزنامه‌نگار

سی و چهارمین هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران در حالی با شعار «با کتاب گفت‌وگو کنیم» برگزار می‌شود که پوستر رسمی این رویداد، تصویری انتزاعی از کتاب، ارتباط و تعامل فکری ارائه می‌دهد. گویی جنگ رمضان و جنگ دوازده روزه در سیاره دیگری اتفاق افتاده است. در این طراحی، نشانه‌هایی از پیوند و گفت‌وگو دیده می‌شود، اما جای یک مؤلفه اساسی در آن خالی است: دفاع مقدس دوم و سوم که هنوز ادامه دارد.

این انتخاب زمانی بیشتر به چشم می‌آید که به سابقه هفته کتاب نگاه کنیم. کتاب در سنت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه مفهومی جدا از هویت ملی، استقلال و آرمان‌های اجتماعی نبوده است. در دوره سی‌وسوم، شعار «بخوانیم برای ایران» با استفاده از نقشه کشور و واژگانی چون کتاب، ایران و خلیج فارس، بر پیوند مطالعه با هویت سرزمینی تأکید داشت. در دوره‌های دیگر نیز شعارهایی مانند «خواندن برای همدلی» و «آینده خواندنی است» تلاش می‌کردند کتاب را به افق اجتماعی و فرهنگی جامعه متصل کنند. حتی در دوره هشتم هفته کتاب، در سال ۱۳۷۹، روز «کتاب و ادبیات دفاع مقدس» به برنامه‌های این رویداد افزوده شد. بنابراین، سخن گفتن از نسبت کتاب و مقاومت، بخشی از سابقه فرهنگی همین مناسبت است.

اما امروز با چه وضعیتی روبه‌رو هستیم؟ کشوری که در سال‌های اخیر بار دیگر تهدید نظامی، تجاوز و آزمون تاریخی مقاومت را تجربه کرده، چرا باید در مهم‌ترین نماد بصری رویداد ملی کتاب خود، تصویری بی‌ارتباط با این واقعیت ببیند؟ مگر فرهنگ را می‌توان از تاریخ جدا کرد؟ مگر ادبیات دفاع مقدس، خاطرات شهدا، روایت مادران و همسران شهدا، نوشته‌های رزمندگان و آثار مربوط به مقاومت، جزئی از سرمایه فکری و فرهنگی این ملت نیستند؟

کتاب می‌تواند حافظه تاریخی یک ملت را حفظ کند، نسل جدید را با ریشه‌های هویتی خود آشنا سازد و روایت‌هایی را که رسانه‌های مسلط جهانی می‌کوشند به حاشیه برانند، زنده نگه دارد. ادبیات مقاومت از همین منظر اهمیت دارد. این آثار، روایت انسان‌هایی هستند که در برابر تجاوز و سلطه تسلیم نشدند. آن‌ها از تجربه‌ای سخن می‌گویند که در آن مفاهیمی چون شهادت، غیرت ملی، ایمان، ایثار و دفاع از مظلوم، از سطح شعار فراتر رفته و به واقعیت زندگی مردم تبدیل شده‌اند. چنین گنجینه‌ای نمی‌تواند در ویترین فرهنگی کشور غایب باشد.

البته قرار نیست هر پوستر فرهنگی به تصویری مستقیم از میدان نبرد، موشک و رزمنده تبدیل شود. هنر گرافیک زبان استعاره و نماد است و می‌تواند با استفاده از عناصر بصری خلاقانه، مفاهیمی چون مقاومت، اقتدار، همبستگی و هویت ملی را بازنمایی کند. بحث بر سر این است که طراح یک رویداد ملی باید بداند در چه جامعه‌ای زندگی می‌کند و چه تجربه‌هایی در شکل‌گیری حافظه تاریخی آن نقش داشته‌اند.

فرهنگ انقلاب اسلامی با روایت ایستادگی در برابر سلطه، دفاع از استقلال و پاسداشت خون شهدا معنا پیدا کرده است. هفته کتاب نیز اگر قرار است نماینده فرهنگ این جامعه باشد، نمی‌تواند این ریشه‌ها را از تصویر خود حذف کند.

اهدای کتاب به دانش‌آموزان مینابی



کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هم‌زمان با سی و چهارمین هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، ۱۰۰ قفسه کتاب را همراه با مجموعه‌ای از آثار ادبی و سرگرمی‌های متناسب با گروه سنی کودکان و نوجوانان به مدارس مناطق کم‌برخوردار هرمزگان، از جمله مدارس روستایی میناب، اهدا می‌کند.

برای هر قفسه بین ۶۰ تا ۱۰۰ عنوان کتاب متناسب با دانش‌آموزان پایه‌های اول تا چهارم ابتدایی در نظر گرفته شده است. این اقدام در ادامه طرح فرهنگی «هزار درنای کاغذی بر بام مدارس» و با هدف افزایش دسترسی دانش‌آموزان به منابع مطالعاتی و فعالیت‌های فرهنگی انجام می‌شود.

این برنامه همچنین بخشی از تلاش‌های کانون برای همراهی با کودکان و خانواده‌های آسیب‌دیده میناب در روزهای جنگ و پس از آن است؛ تلاشی برای استمرار یادگیری و تقویت امید و نشاط در میان کودکان.

ترکیب کتاب و سرگرمی‌های آموزشی می‌تواند زمینه‌ای برای تقویت خلاقیت، تخیل و علاقه به مطالعه فراهم کند. طرح «هزار درنای کاغذی بر بام مدارس» نیز با پیام امید، صلح و همدلی، بر ضرورت توجه مستمر به نیازهای فرهنگی کودکان تأکید دارد.